

Semantic Analysis of the Implications of Quranic Concepts in Relation to Altruism as a Social Concept

(Received: 2025-06-22 Acceptance: 2025-09-03)

Hamid Bagheri ¹  ; Maryam Zare Gharizi ² 

Abstract

Altruism, as one of the most prominent human values, has been fundamentally emphasized in Islamic texts. This research employs a descriptive-analytical method based on library studies and seeks to outline the conceptual network of altruism in the Quran, with an emphasis on its semantic coherence and social impacts. The present study demonstrates that concepts such as self-sacrifice (Ithār), charity (Infāq), cooperation (Ta'āwun), benevolence (Ihsān), almsgiving (Ṣadaqah), and feeding the needy (Iṭ'ām) are deeply interconnected with altruism and have been systematically introduced in the Quranic verses. Among these concepts, self-sacrifice (Ithār) is recognized as the highest level of altruism, emphasizing the preference of others' needs over one's own. The Quran highlights two key components of altruism: prioritizing the well-being of others and expecting no material reward. The Quran does not regard altruism merely as a social behavior but, by emphasizing sincere intention and divine pleasure, presents it as a divine approach and a religious duty, elevating it from an individual level to a social system. It offers a comprehensive model for human relations that leads to both personal transcendence and societal progress. By linking altruism to concepts such as "in the way of God" (fi sabil Allah) and "for the sake of God's pleasure" (li-wajh Allah), the Quran raises it from the level of purely human-centric behaviors to a divine realm. Moreover, altruism in the Quran is not only an individual virtue but also a foundation for achieving social justice and the cohesion of the Islamic community ('ummah).

Keywords: Altruism, Quranic concepts of altruism, Self-sacrifice (Ithār), charity (Infāq), Cooperation (Ta'āwun), Social ethics

مطالعات اجتماعی
و فلسفه

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author). bagheri.h@ut.ac.ir
2. Graduate, Master of Arts, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. maryamzare0311@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

واکاوی دلالت‌های معناشناختی مفاهیم قرآنی در پیوند با

دیگرخواهی به مثابه مفهومی اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲)

حمید باقری^۱، مریم زارع گاریزی^۲

چکیده

دیگرخواهی، به عنوان یکی از ارزش‌های برجسته انسانی، در متون اسلامی به شکلی بنیادین مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و به دنبال ترسیم شبکه مفهومی دیگرخواهی در قرآن با تأکید بر انسجام معنایی و تأثیرات اجتماعی آن است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون ایثار، انفاق، تعاون، احسان، صدقه و اطعام هر یک با دیگرخواهی پیوندی عمیق دارند و در آیات قرآن به صورت نظام‌مند معرفی شده‌اند. از میان این مفاهیم، ایثار به عنوان متعالی‌ترین سطح دیگرخواهی شناخته شده که بر ترجیح نیاز دیگران بر خود تأکید دارد. آیات قرآن بر دو مؤلفه کلیدی دیگرخواهی تأکید دارند: هدف قرار دادن رفاه دیگران و عدم توقع پاداش مادی. قرآن، دیگرخواهی را صرفاً یک رفتار اجتماعی نمی‌داند، بلکه با تأکید بر نیت خالصانه و رضایت الهی آن را به عنوان یک رویکرد الهی و تکلیف ایمانی تبیین می‌کند و آن را از سطح فردی به نظامی اجتماعی ارتقا می‌دهد، الگویی جامع برای روابط انسانی ارائه می‌کند که هم به تعالی فردی و هم به پیشرفت جامعه منجر می‌شود. قرآن با پیوند دیگرخواهی به مفاهیمی مانند «فی سبیل الله» و «لِوَجْهِ اللَّهِ»، آن را از سطح رفتارهای صرفاً انسان‌محور به عرصه‌ای الهی ارتقا می‌دهد. همچنین، دیگرخواهی در قرآن نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه پایه‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی و انسجام امت اسلامی است. **کلیدواژه:** دیگرخواهی، مفاهیم قرآنی دیگرخواهانه، ایثار، انفاق، تعاون، اخلاق اجتماعی

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسؤول). Bagheri.h@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران. maryamzare0311@gmail.com



انسان موجودی اجتماعی است که از بدو تولد، خود را در جوامعی با مقیاس‌های متفاوت می‌یابد و از طریق حضور در آنها خویشتن را می‌شناسد. به همین دلیل، بررسی رفتارهای انسان در همکنش با سایر افراد جامعه، همواره موضوع مورد علاقه طیف گسترده‌ای از پژوهشگران بوده است. روشن است که همه انسان‌ها دارای ویژگی‌های رفتاری یکسانی نیستند. به عنوان نمونه، برخی از انسان‌ها نسبت به غیر خود که از این پس با عنوان «دیگری» از آن یاد می‌شود، توجه و عاطفه بیشتری نشان می‌دهند. به بیان دیگر، در تمام جوامع، افرادی وجود دارند که در مواقعی خاص، بدون توجه به منافع خود، در جهت افزایش بهزیستی دیگران تلاش می‌کنند. آن‌ها از وقت، دارایی، سلامتی و حتی جان خود می‌گذرند تا رفاه دیگری را تأمین کنند. این دیگری ممکن است خویشاوند یا غیرخویشاوند او باشد. اگر فرد در برابر اقدام نیک خود، چیزی (اعم از پاداش بیرونی و درونی) درخواست کند، مسأله چندان جالب توجه و قابل تأمل نخواهد بود؛ زیرا این اقدام همان بده-بستان^۱ رایج است. مسأله آنجا حائز اهمیت می‌شود که برخی افراد بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی آماده‌اند منفعت دیگری را بر منفعت خود ترجیح دهند و حتی در راه تأمین رفاه دیگری، متحمل خسارت و ضرر شوند. اندیشمندان از این رفتار انسانی با عنوان «دیگرخواهی»^۲ یاد می‌کنند. مفهوم دیگرخواهی از این منظر با حوزه مفهومی اخلاق نیز ارتباط می‌یابد. بنا بر یک نظر که «دیگردوستی» در مقابل «خوددوستی» را ملاک و معیار فعل اخلاقی تلقی می‌کند، «دیگرخواهی» را می‌توان کاملاً فعلی اخلاقی بشمار آورد.^۳

اجتماعی بودن انسان و ناگزیری او از ارتباط با دیگران مورد تأیید و تأکید آموزه‌های دینی است.^۴ این واقعیت سبب شده است تا دین برای چگونگی روابط میان انسانها برنامه‌هایی ارائه کند؛ برخی روابط موجود میان آنها را تأیید و برخی را رد کند. دین در ساحت اجتماع به دنبال پی‌ریزی جامعه‌ای است که در آن ارزش‌ها و اصول انسانی و معنوی حاکم باشد و این ارزش‌ها و اصول در روابط اجتماعی افراد از کوچک‌ترین واحد اجتماع یعنی خانواده تا سطح کلان

1. Give and take

2. Altruism

گاه در کنار تعبیر «دیگرخواهی» از تعبیر دیگری همچون «دیگرجزینی»، «دیگرگرایی»، «نوع‌دوستی» نیز یاد می‌شود.

۳. برای تحلیلی از اخلاقی بودن دیگرخواهی رک: مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۷.

۴. برای نمونه نک: آل عمران / ۲۰۰؛ المائدة / ۲؛ الحجرات / ۱۳.

جامعه تبلور یابد. معرفی ارزش‌های انسانی و اخلاقی، توصیه به رعایت و نیز ترویج آنها در جامعه از راه‌های گوناگون، از جمله راهبردهایی است که دین به کمک آنها در پی ساخت جامعه سالم انسانی است. «دیگرخواهی» یکی از این ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی است که دین اسلام نیز به آن توجه داشته است. پرسشی که در این باره قابل طرح است آنکه کدام یک از مفاهیم دینی اسلام با مفهوم «دیگرخواهی» مرتبط است؟ هرچند مقالاتی همچون «نقش دین‌داری در خصیصه دیگرخواهی»^۱، «رابطه نوع دوستی با دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی»^۲ و «دیگرگروی اخلاقی: منظری قرآنی»^۳ تلاش دارند تا به تبیین ارتباط و نقش دین در دیگرخواهی بپردازند، اما در هیچ یک از آنها شبکه مفهومی از مفاهیم دینی با تکیه بر آیات قرآن کریم ارائه نشده است. از این رو، این نوشتار می‌کوشد تا به عنوان یک پژوهش بنیادی-نظری، با بررسی آیات قرآن کریم، مفاهیم مرتبط با «دیگرخواهی» را شناسایی و تبیین کند. این پژوهش از نوع بنیادی و به‌روش توصیفی-تحلیلی است که جمع‌آوری اطلاعات در آن، با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

۲. «دیگرخواهی» به مثابه مفهومی اجتماعی

«دیگرخواهی» از جمله ارزش‌های بنیادین در جوامع بشری، همواره در اندیشه‌های فلسفی، اخلاقی و دینی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این رفتار اجتماعی، نه تنها در سطح فردی بلکه در ساختارهای اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. نخستین استفاده اصطلاح Altruism توسط آگوست گنت^۴ در سال ۱۸۳۰ میلادی و در چارچوب فلسفه پوزیتیویسم صورت گرفت. او این مفهوم را در برابر «خودخواهی»^۵ قرار داد و بر اولویت بخشیدن به مصالح دیگران بر منافع شخصی تأکید کرد.^۶

با وجود آنکه مطالعات علمی پیرامون دیگرخواهی در جوامع غربی از دهه ۱۹۶۰

1. Zarghi, Masoumeh and Mustafa Bolghan-Abadi, "The Altruism Trait: The Role of Religiousness", Journal of Religion and Health, 2021 Apr, 60(2), pp. 684-691.

۲. مردانی و لندانی، مریم، «رابطه نوع دوستی با دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۹۴، صص ۱۶۵-۱۸۳.

۳. صادقی، هادی و محمدامین خوانساری، «دیگرگروی اخلاقی: منظری قرآنی»، فصلنامه علمی پژوهشنامه اخلاق، دوره ۹، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۷-۳۶.

4. Auguste Comte

5. Egoism

گاه از آن با تعابیر دیگر همانند «خودگرایی»، «خودگزینی» و «خودگروی» نیز یاد می‌شود.

6. Hasting, p. 355.



میلادی شدت یافت، این مفهوم از دیرباز در سنت‌های فرهنگی و دینی انسان‌ها حضوری پررنگ داشته است.^۱ سایر رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، زیست‌شناسی عصبی و الهیات نیز کوشیده‌اند ابعاد مختلف دیگرخواهی را رمزگشایی و دلایل شکل‌گیری این رفتار را تبیین کنند.

از دیدگاه علوم اجتماعی، دیگرخواهی نوعی رفتار یاریگرانه است که هیچ مزیت مادی پیش‌بینی‌شده‌ای برای فاعل ایجاد نمی‌کند و حتی ممکن است متضمن هزینه یا زیان باشد.^۲ دنیل بارتال^۳ معتقد است که رفتار دیگرخواهانه باید ارادی و هدفمند بوده و تنها برای سود رساندن به دیگری انجام شود، بدون آنکه انتظار دریافت پاداش خارجی (مانند منافع مادی) وجود داشته باشد؛ اما پاداش‌های درونی مانند رضایت شخصی، ناقض ماهیت دیگرخواهی نیستند.^۴

کریستن مونرو^۵ نیز در کتاب قلب دیگرخواهی معیارهای دقیقی برای تعریف این رفتار ارائه کرده است، از جمله: ۱. دیگرخواهی باید به فعل درآید و صرف داشتن نیت خیر کافی نیست، ۲. عمل باید هدفمند باشد، حتی اگر واکنشی و ناخودآگاه باشد، ۳. هدف اصلی باید افزایش رفاه دیگری باشد، ۴. نیت خیر از نتیجه عمل مهم‌تر است، ۵. احتمال کاهش رفاه عامل باید وجود داشته باشد، و ۶. دیگرخواهی نباید مقید به پاداش باشد، بلکه باید صرفاً بر بهبود شرایط دیگری متمرکز شود.^۶

روان‌شناسان دیگرخواهی را به عنوان انگیزه‌ای که موجب بروز رفتار یاریگرانه^۷ می‌شود. برای کاهش پریشانی دیگری بدون توجه به منفعت شخصی فرد دیگرخواه بررسی می‌کنند، به‌گونه‌ای که فرد یاریگر هیچ‌گونه توقع بازپرداخت، قدرشناسی یا دریافت امتیاز ندارد.^۸ جامعه‌شناسان نیز مفهوم «رفتار جامعه‌پسند»^۹ را برای اقداماتی داوطلبانه پیشنهاد داده‌اند که به بهبود رفاه دیگران منجر می‌شود، بدون آنکه متضمن دریافت پاداش باشد.^{۱۰}

بر اساس تحلیل‌های فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اخلاق می‌توان

1. Crysel, pp. 13-17.

2. Post, pp. 59-60; Borgatta & Montgomery, p. 114.

3. Daniel Bar-Tal

4. Bar-Tal, pp. 3-14.

5. Kristen Renwick Monroe

6. Monroe, pp. 6-7.

7. Helping behavior

8. Baumeister & Vohs, p. 29.

9. Prosocial behavior

10. Ritzer, p. 3678; Bell, 2013.

برای مفهوم دیگرخواهی، چهار مؤلفه اصلی تعیین کرد که تحقق دیگرخواهی، منوط به وجود توأمان آن‌هاست: ۱. آگاهانه و از روی قصد بودن فعل؛ ۲. ارادی و داوطلبانه بودن؛ ۳. لحاظ نمودن رفاه دیگری به عنوان هدف و ۴. نداشتن توقع جبران و پاداش.^۱ این مؤلفه‌ها، دیگرخواهی را از سایر انواع رفتارهای اجتماعی متمایز کرده و آن را به موضوعی بنیادین در مطالعات انسان‌شناسی و اخلاقی تبدیل کرده‌اند.^۲

۳. دیگرخواهی و مفاهیم قرآنی

دین اسلام مسلمانان را به یاری کردن یکدیگر تشویق می‌نماید و در روایات اسلامی، اهتمام به امور مسلمین به علت اهمیت فراوانش، شرط مسلمانی معرفی شده است. امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».^۳ از این حدیث می‌توان دو موضوع را برداشت کرد؛ اولاً مسلمانان وظیفه دارند خود پیگیر شرایط دیگران باشند و در صورت مشاهده خللی در رفاه ایشان اقدام کنند، ثانیاً اگر کسی از آن‌ها درخواست یاری‌رسانی کرد، به سرعت دست به کار شوند و نفع و ضرر خویش را لحاظ نکنند. به طور کلی این روایت و روایات مشابه آن، در ارزش‌گذاری درونی برای رفاه دیگران که منجر به بروز نگرانی همدلانه می‌شود، حائز اهمیت است.

۱. نک: عبادیان، ص ۸۵-۹۹؛ منصوری، ص ۱۶؛ ریچلز، ص ۱۳۳-۱۶۴؛

Ritzer, p. 3678; Irani, p. 20.

۲. برای مطالعه تفصیلی دیدگاه‌ها درباره دیگرخواهی در علوم و رویکردهای مختلف نک:

Monroe, Kristen Renwick, The Heart of Altruism: Perceptions of a Common Humanity, Princeton University Press, 1996; Bar-Tal, Daniel, Prosocial Behavior: Theory and Research, Hemisphere Publishing, 1976; Post, Stephen G, Altruism & Health: Perspectives from Empirical Research, Oxford University Press, 2003; Batson, C. Daniel, Altruism in Humans, Oxford University Press, 2001; Sober, Elliott & Wilson, David Sloan, Unto Others: The Evolution and Psychology of Unselfish Behavior, Harvard University Press, 1998; Crysel, L. et al. "Altruism and Prosocial Behavior: Historical and Contemporary Perspectives". Journal of Social Psychology, 2015: 45(2), pp. 13-17; Baumeister, R. F. & Vohs, K. D., "Altruism as a Moral Principle", Psychological Review, 2007: 114(1), pp. 25-32;

عبادیان، محمود، دیگرخواهی در اخلاق و روان‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵ ش؛ منصوری، جواد، جامعه‌شناسی رفتارهای یاریگرانه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۸ ش؛ ریچلز، جیمز، فلسفه/اخلاق، ترجمه احمد علی حیدری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش.

۳. «هرکس صبح کند و توجهی به امور مسلمانان نداشته باشد مسلمان نیست و هرکس ندای یاری طلبی مسلمانی را بشنود و به او پاسخ نگوید مسلمان نیست». رک: کلینی، ج ۲، ص ۱۶۳، ۱۶۴.



از آنجا که «خیر و رفاه دیگری» در تعاریف علمی دیگرخواهی به شکل کلی بیان شده است، می‌توان برای دیگرخواهی مصادیق مادی و معنوی فراوانی متصور شد. با این حال، اصطلاح دیگرخواهی در میان عموم، بیشتر در حوزه مسائل مادی و از خودگذشتگی جانی فهمیده می‌شود. لذا مهم‌ترین مصادیقی که در آموزه‌های اسلامی وجود دارد و با دیگرخواهی در ارتباط مفهومی است عبارت‌اند از: «ایثار»، «انفاق»، «تعاون»، «احسان»، «وقف»، «زکات»، «خمس»، «صدقه» و «اطعام». مفاهیم مرتبط با دیگرخواهی، به معنای منفعت‌رسانی به دیگران، در آیات و روایات به دفعات مورد اشاره قرار گرفته است. در یک مطالعه تحلیلی، آیات مرتبط با مفهوم «دیگرخواهی» را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد. گونه نخست، آن دست‌آیاتی را شامل می‌شود که به طور مستقیم دارای معنایی مترادف یا نزدیک به مفهوم دیگرخواهی هستند. مفاهیمی همچون «ایثار»، «انفاق» و «تعاون» را می‌توان نمونه‌های بارز این گونه نخست از آیات دانست که از بیشترین رابطه معنایی و مؤلفه‌های مشترک مفهومی با مفهوم دیگرخواهی برخوردار هستند تا آنجا که می‌توان آنها را به عنوان مفاهیم مترادف با دیگرخواهی یاد کرد. گونه دیگر، آن دست‌آیات مشتمل بر مفاهیمی مرتبط با دیگرخواهی هستند که می‌توان آنها را نمودها و مصادیق آن مفاهیم اصلی و دارای آثار و پیامدهای دیگرخواهانه به شمار آورد. مفاهیمی همانند «احسان»، «زکات»، «خمس»، «صدقه»، «اطعام»، «وقف» را می‌توان در این دسته طبقه‌بندی کرد. در واقع، ارتباط این مفاهیم با دیگرخواهی، غیرمستقیم است بدین معنا که مؤلفه «دیگری» در آنها به عنوان جامعه هدف مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱

مفاهیم قرآنی مرتبط با دیگرخواهی، در یک شبکه سلسله‌مراتبی و دارای روابط عمودی و افقی قرار می‌گیرند. برای درک دقیق این شبکه، ترتیب تحلیل این مفاهیم می‌بایست از کلان‌مفهوم‌های بنیادین به سوی مفاهیم خاص‌تر و متعالی‌تر حرکت کند. بر این اساس، «احسان» به عنوان چارچوب کلی نیکوکاری که سایر مفاهیم در ذیل آن معنا می‌یابند، نقطه آغاز است. در گام بعد، «انفاق» به عنوان تجلی مادی و اقتصادی احسان مورد بررسی قرار می‌گیرد و مصادیق عینی آن یعنی «صدقه» و «اطعام» تحلیل می‌شوند. در سطحی فراتر، «ایثار» به

۱. چنانکه خواهیم دید قرآن تلاش می‌کند تا همه مفاهیم و مصادیق دیگرخواهانه را با مؤلفه «ایثار» همراه سازد. این امر به نوبه خود تابع رویکرد نظام‌مند قرآن کریم در توجه به هدف الهی در همه رفتارهای ایمانی مسلمانان است. اگرچه مفاهیمی مانند «مواسات» نیز در آموزه‌های دینی ارتباط تنگاتنگی با دیگرخواهی اجتماعی دارند، اما از آنجا که این اصطلاح و واژه‌های مرتبط با آن به صورت صریح در آیات قرآن کریم ذکر نشده است، در این بحث به بررسی آنها نمی‌پردازیم.

عنوان اوج و متعالی‌ترین شکل دیگرخواهی معرفی می‌گردد و در نهایت، «تعاون» به عنوان بستر اجتماعی و نهادی که همه این مفاهیم در آن تحقق می‌یابند، بررسی می‌شود.

۳-۱- احسان

واژه «احسان». باب افعال. از ریشه «ح س ن» به معنای نیکی کردن، خوب انجام دادن یک کار یا انجام عملی به بهترین و کامل‌ترین شکل است.^۱ این واژه و مشتقات آن حدود ۱۹۰ بار در قرآن به کار رفته است (شامل صیغه‌های مختلف مانند مُحْسِن، مُحْسِنُونَ، إِحْسَانًا) که مفهوم آن بسته به سیاق آیه متفاوت است. این تکرار نشان‌دهنده اهمیت این مفهوم در نظام اخلاقی و دینی قرآن است. در قرآن کریم، عموماً مفهوم «احسان» در رابطه با مردم و مخلوقات به کار رفته است. از جمله آنکه در آیات ۸۳ سوره بقره و ۳۶ نساء، بر نیکی و رفتار شایسته با والدین، خویشاوندان، یتیمان و نیازمندان تأکید شده است که از یک سو نشان‌دهنده مسئولیت اجتماعی و اخلاقی است و از سوی دیگر بر اهمیت رفتار خیرخواهانه در روابط انسانی دلالت دارد. رفتار برآمده از احسان، در برابر والدین در آیه ۲۳ سوره اسراء به طور انحصاری تصریح شده است که بر اهمیت پدر و مادر در این موضوع تأکید دارد. همنشینی این واژه در کنار «عدل» در آیه ۹۰ سوره نحل که خداوند به رعایت هر دوی آنها در زندگی اجتماعی فرمان می‌دهد نشان‌دهنده رابطه تکمیلی و سلسله‌مراتبی میان آنها است و بر یک نظام اخلاقی جامع دلالت دارد که در آن عدالت به عنوان پایه و احسان به عنوان کمال آن معرفی می‌شود. این آیه با فرمان «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» آغاز می‌شود و در ادامه، از منکراتی نهی می‌کند که ضد عدل و احسان هستند (مانند فحشا، منکر و بغی). این ترکیب، انسان را از رعایت حداقل حقوق (عدل) به سوی نیکی بی‌چشمداشت و تعالی اخلاقی (احسان) هدایت می‌کند. این آیه، الگویی برای ساخت جامعه‌ای متعادل، عادلانه و مهربان ارائه می‌دهد که در آن افراد نه تنها به وظایف خود عمل می‌کنند، بلکه با نیکی و فداکاری، روابط انسانی را ارتقا می‌بخشند. مفسرانی همچون علامه طباطبایی در المیزان معتقدند که عدل پایه‌ای برای احسان است و احسان کمال عدل محسوب می‌شود. عدل، رعایت حق واجب است، اما احسان، انجام خیر مستحب و فراتر از واجب است.^۲



آیه ۷ سوره اسراء «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» یکی دیگر از آیات کلیدی قرآن درباره مفهوم «احسان» است که به رابطه میان اعمال انسان و نتایج آن برای خود او اشاره دارد. بنا بر نظر علامه طباطبایی، این آیه بیانگر یک قانون کلی الهی است که اعمال انسان (چه نیک و چه بد) در نهایت به خود او بازمی‌گردد. احسان (نیکی) باعث تعالی روح، کسب پاداش اخروی و خیر دنیوی می‌شود، در حالی که اسائه (بدی) به ضرر روحی، معنوی و اجتماعی انسان منجر می‌شود. این آیه نشان‌دهنده مسئولیت فردی انسان در قبال اعمالش است.^۱ فخر رازی نیز تأکید می‌کند که احسان در این آیه شامل هر نوع عمل نیک (عبادت، اخلاق حسنه، کمک به دیگران) است. او معتقد است که نیکی به دیگران در واقع به نفع خود انسان است؛ زیرا باعث جلب رحمت الهی، آرامش روحی و بهبود جایگاه اجتماعی می‌شود.^۲

نظر به اینکه خیرخواهی به دیگران بنیان و پایه اساسی مفهوم «احسان» در کاربردهای قرآنی است بنا بر این رابطه آن با مفهوم دیگرخواهی به روشنی قابل تحلیل است. احسان نه تنها شکلی متعالی از دیگرخواهی است، بلکه فراتر از آن، دیگرخواهی را در چارچوب رابطه‌ای الهی-انسانی تعریف می‌کند. دیگرخواهی در روان‌شناسی و اخلاق، معمولاً به معنای توجه به نیاز دیگران و اقدام برای رفع آن است. اما قرآن با مفهوم احسان، این عمل را به سطحی الهی و مبتنی بر تعهد ایمانی ارتقا می‌دهد.^۳ بنا بر آیه «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۴ دیگرخواهی در احسان قرآنی، محدود به دوستان یا همکیشان نیست که با انگیزه‌های مادی و زیست‌شناختی همراه شود. این آیه در سیاق توصیه به بردباری در برابر آزار مشرکان و عفو و گذشت از آنان نازل شده است (آیات ۳۲-۳۶). این آیه نشان می‌دهد احسان دیگرخواهی را به حوزه روابط خصمانه نیز تعمیم می‌دهد و آن را به ابزاری برای تبدیل دشمنی به دوستی بدل می‌سازد.

در تحلیل قرآنی، احسان، دیگرخواهی را از حوزه محدود روابط انسانی به عرصه عبادی-اخلاقی گسترش می‌دهد و آن را به عنوان تکلیف دینی (نه صرفاً انتخاب اخلاقی)، رویکردی فعالانه (نه واکنشی احساسی)، و ابزاری برای تقرب به خدا

۱. طباطبایی، ج ۱۳، ص ۴۰-۴۱، نیز ج ۲، ص ۸.

۲. فخر رازی، ج ۲۰، ص ۱۵۸، نیز ج ۲، ص ۵۶، ج ۳، ص ۱۵۹، ج ۱۶، ص ۱۸۵؛ نیز قرطبی، ج ۱۸، ص ۱۴۶.

۳. «وَأَخْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (البقرة/۱۹۵).

۴. فصلت/۳۴.

تعریف می‌کند. به این ترتیب، احسان دیگرخواهی را در مسیر «عبادت» قرار می‌دهد و به آن عمق و استمرار می‌بخشد. این دو (احسان و دیگرخواهی)، به کاهش خودمحوری، تقویت همبستگی اجتماعی و تقرب به خدا منجر می‌شوند. احسان با نیت الهی، دیگرخواهی را به سطحی معنوی ارتقا می‌دهد.

۳-۲- انفاق

در آموزه‌های اسلامی، «انفاق» مفهومی صرفاً اقتصادی یا نفع‌رسان به دیگران نیست، بلکه کنشی الهی و اخلاقی است که تنها در صورت تحقق شرایط خاصی همچون نیت خالصانه، رعایت کرامت انسانی، و هماهنگی با اهداف الهی، پذیرفته و ارزشمند تلقی می‌شود.

«انفاق» در لغت از ریشه «ن ف ق» به «خارج شدن» و «مصرف کردن» اشاره دارد.^۱ راغب اصفهانی «نَفَقَ» را به معنای نابود شدن یا صرف شدن می‌داند، چه از راه فروش، چه از راه مصرف.^۲ ابن فارس نیز «نَفَقَ» را به معنای پنهان شدن و تمام شدن چیزها آورده است.^۳ در اصطلاح فرهنگ اسلامی، انفاق به معنای خرج کردن مال در راه خدا، یاری نیازمندان و تقویت جامعه اسلامی با نیت رضای الهی است؛ مفهومی گسترده که حتی فراتر از کمک مالی را نیز در برمی‌گیرد.^۴ واژه «ن ف ق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار و غالباً به معنای اصطلاحی آن در قرآن آمده است.^۵

در منابع اسلامی، انفاق از نظر فقهی به دو دسته واجب و مستحب تقسیم می‌شود. زکات و خمس از مصادیق انفاق واجب‌اند که هر مسلمان مکلف به پرداخت آن است. در مقابل، صدقه، اطعام، و احسان از انفاق‌های مستحبی هستند که انجام آن‌ها وابسته به اراده و نیت فرد مؤمن است.^۶ این دسته بندی تفاوت مهمی را

۱. ابن منظور، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۶۱؛ فیروزآبادی، ج ۳، ص ۲۸۶؛ زبیدی، ج ۱۳، ص ۴۶۳-۴۶۶.

۲. راغب اصفهانی، ص ۸۱۹.

۳. ابن فارس، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴. طوسی، ج ۲، ص ۱۵۱؛ طبرسی، ج ۱، ص ۸۵-۸۶، ج ۲، ص ۳۴؛ طباطبایی، ج ۱۵، ص ۲۴۰-۳۴۳-۴۰۰.

۵. باید توجه داشت که قرآن علاوه بر ریشه «ن ف ق» و مشتقات آن، با واژگان و تعبیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ مانند صدقه یا صدقات (البقرة/۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱؛ التوبة/۷۹)، زکات با مشتقات آن (المائدة/۵۵)، اعطاء (اللیل/۵)، ایتاء (البقرة/۱۷۷؛ النور/۲۲)، جهاد کردن با مال (التوبة/۴۱)، قرض الحسنه دادن به خداوند (البقرة/۲۴۵؛ الحديد/۱۱، ۱۸)، اطعام (البلد/۱۴؛ الإنسان/۸)، رزق (النساء/۸)؛ همچنین آیات مربوط به پاره‌ای تکالیف مالی، مانند پرداختن زکات (البقرة/۴۳، ۸۳) یا کفاره (المائدة/۸۹، ۹۵) را می‌توان از مصادیق انفاق (به معنای عام آن) دانست.

۶. فخر رازی، ج ۱۶، ص ۱۴۰؛ راغب اصفهانی، ص ۸۱۹؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۳۸۳.



از منظر دیگرخواهی نمایان می‌کند؛ چراکه انفاق واجب به جهت الزام شرعی از قلمرو دیگرخواهی محض فاصله دارد، اگرچه پیامدهای آن در راستای تقویت همبستگی اجتماعی و رفع فقر است.

قرآن کریم، واژه انفاق و مشتقات آن را در زمینه‌های متعددی چون کمک به فقرا، یتیمان، مجاهدان و تحکیم پیوندهای اجتماعی به کار برده است. از جمله، قرآن در آیات ۲۶۱ تا ۲۶۷ سوره بقره به موضوع انفاق از جنبه‌های مختلف پرداخته است: پاداش مضاعف برای انفاق خالص با نیت الهی (آیه ۲۶۱)، پایدار و پربار بودن چنین انفاقی (آیه ۲۶۵)، بدون منت و آزار بودن انفاق شرط اثرگذاری آن (آیه ۲۶۲)، ابطال صدقه با ریا و منت (آیه ۲۶۴) چراکه اخلاق بر عمل مقدم است (آیه ۲۶۳)، لزوم تأمل در انگیزه‌های ظاهر فریب (آیه ۲۶۶) و دعوت به انفاق از بهترین مال (آیه ۲۶۷). یکی از تمثیل‌های بارز انفاق در قرآن، در آیه ۲۶۱ این سوره آمده است؛ انفاق به دانه‌ای تشبیه شده که هفت خوشه می‌دهد و هر خوشه صد دانه دارد، نشان از بازدهی ۷۰۰ برابری. قرآن تنها به تشویق انفاق بسنده نمی‌کند، بلکه کیفیت آن را نیز تعیین می‌نماید. در آیه ۲۶۷ بقره، مؤمنان ترغیب شده‌اند که از اموال «طیب» (پاک و باارزش) انفاق کنند و از اشیاء بی‌ارزش پرهیز نمایند. همچنین، آیات دیگری (البقرة/ ۲۶۴، ۲۷۱) به اصل پنهان‌کاری در انفاق، پرهیز از منت و نیت خالص تأکید می‌ورزند. طباطبائی معتقد است که انفاق در قرآن کریم، دارای ۵ ویژگی است: هدف بودن خداوند، بدون منت و اذیت، از مال پاک، مورد انفاق (کسی که به او انفاق می‌شود) شخص فقیر محصور در راه خدا و پاداش عظیم دنیوی و اخروی برای انفاق‌کننده.^۱

آیاتی نظیر آیه ۹۲ آل عمران، شرط تحقق «بر» (نیکی کامل) را انفاق از مال محبوب معرفی می‌کند: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ». این آیه در سیاقی نازل شده که بر ضرورت پایبندی به میثاق با خدا و پرهیز از دشمنی با اولیای الهی تأکید دارد (آیات ۷۵ به بعد). در این چارچوب، انفاق از محبوب‌ترین اموال، آزمونی نهایی برای سنجش عمق ایمان و گذر از وابستگی‌های دنیوی معرفی شده است. علامه طباطبائی، این آیه را نشانه‌ای از اخلاص در ایمان دانسته است؛ چراکه انفاق چیزی که برای فرد محبوب است، نیازمند ایمانی راسخ می‌باشد.^۲

باید توجه داشت که انفاق در بافت آیات قرآنی نه تنها به تزکیه نفس و تکامل

معنوی فرد کمک می‌کند، بلکه آثار قابل توجهی در عدالت اجتماعی، امنیت اقتصادی و تقویت روابط انسانی دارد.^۱ بنابر آیات متعددی از جمله ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۴ سوره بقره و همچنین آیات ۵-۷ سوره لیل، انفاق موجب آرامش درونی، تسهیل امور اخروی، و برخورداری از امداد الهی می‌گردد.

قرآن کریم، در آیاتی همچون ۳۴ توبه، از علمای یهود و رهبانان مسیحی که با سوءاستفاده از جایگاه دینی، مردم را از انفاق باز می‌دارند، به شدت انتقاد کرده است. این آیات نشان‌دهنده آن‌اند که انفاق نکردن، به نوعی ظلم اجتماعی تلقی می‌شود و ایمان واقعی جز با دیگرخواهی و از خودگذشتگی محقق نمی‌گردد. آیاتی مانند آیه ۱۰ سوره حدید با عبارت کلیدی «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نیز آیات ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۵ بقره)، بر لزوم انفاق در مسیر توحید تأکید می‌ورزد. این آیه با مقایسه انفاق قبل و بعد از فتح، به این نکته اشاره دارد که ایثار در زمان دشواری، ارزش معنوی والاتری دارد. همچنین، همراهی انفاق مالی با جهاد نشان می‌دهد که دیگرخواهی تنها کمک مالی نیست، بلکه می‌تواند به قیمت جان و مال نیز انجام گیرد.

هرچند انفاق و ایثار هر دو در راستای خدمت به خلق و فاصله گرفتن از خودمحوری هستند، اما تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها وجود دارد. از نظر «دامنه»، انفاق بیشتر به کمک مادی یا معنوی اشاره دارد، حال آن‌که ایثار شامل فداکاری گسترده‌تری مانند گذشتن از جان می‌شود. از نظر «شدت فداکاری»، ایثار معمولاً در تنگدستی و با اراده بالا رخ می‌دهد.^۲ همچنین، از نظر «انگیزه»، انفاق غالباً به نیت قربت الهی است، در حالی که ایثار می‌تواند برخاسته از فضایل انسانی عام نیز باشد.

یکی از چالش‌های مهم در انفاق، خطر ریا و منت‌گذاری است. قرآن در آیه ۲۶۴ سوره بقره صریحاً می‌فرماید که انفاق نباید همراه با اذیت و خودنمایی باشد. در همین راستا، ابو حامد غزالی در احیاء علوم الدین می‌نویسد که مسلمانان تا جایی که ممکن است باید پنهانی به دیگران کمک کنند تا نه کمک‌دهنده شناخته شود و نه کمک‌گیرنده؛ بدین ترتیب، دهنده به خود غرّه نمی‌شود و گیرنده نیز شرم‌منده نخواهد شد. کسی که به دیگران کمک مالی می‌کند، نباید هرگز به دلیل این عمل به خود ببالد؛ زیرا او تنها در مقام امانت‌دار خدا در زمین. کسی که مالک حقیقی همه چیز است. در حال خدمت‌رسانی به خلق اوست. طباطبائی

۱. برای بحث تفصیلی از مفهوم انفاق در قرآن کریم نک: طباطبائی، ج ۲، ص ۲۸۴-۴۰۰.

۲. الحشر/ ۹؛ آل عمران/ ۹۲.



نیز تصریح دارد که انفاق همراه با ریا، رشد و نموی نخواهد داشت، همچنانکه همراهی اش با منت و اذیت بی اثر شدن و احباط عمل را در پی خواهد داشت.^۱ درباره انفاق به عنوان رفتار عینی دیگرخواهی می توان گفت که انفاق، تجلی عملی دیگرخواهی در آموزه های اسلامی است. هرچه نیت خالص تر و آگاهی نسبت به نیازهای واقعی بیشتر باشد، ارتباط آن با ایثار و نوع دوستی اصیل تر خواهد بود. اسلام، از طریق سه سازوکار کلیدی، این مفهوم را نهادینه کرده است: ۱. تشویق به استمرار (البقرة/ ۲۷۴) یعنی انفاق در شب و روز، به صورت آشکار و پنهان؛ ۲. تأکید بر کیفیت (بقره: ۲۶۷) یعنی انفاق از مال پاکیزه و ارزشمند، نه آنچه خود انسان از آن بیزار است؛ ۳. توسعه مصادیق (بقره: ۲۶۳) یعنی حتی جایگزین کردن سخن نیکو به جای صدقه، چنان که انفاق تنها به مال منحصر نمی شود، بلکه سخن، زمان، محبت و حمایت نیز می تواند مصداقی از انفاق باشد. به این ترتیب، انفاق در نظام قرآنی، نه فقط یک کنش مالی، بلکه رویکردی جامع برای تحقق عدالت، تحکیم همبستگی اجتماعی و پیوند با خدای متعال است.

۳-۳- صدقه

از دیگر جلوه های انفاق که جنبه اختیاری و داوطلبانه بودن در انجام آن مشهود است، «صدقه» است. «صدقه» از «ص د ق» به معنای راستی، صداقت و اعتبار است. در لغت، «صدقه» به معنای چیزی است که از روی صدق و راستی داده می شود، به ویژه در قالب کمک مالی یا خیرات به دیگران.^۲ همچنین «تصدّق» به معنای بخشیدن مال برای نشان دادن راستی ایمان است.^۳ واژه «صدقه» و مشتقات آن در قرآن ۲۰ بار در ۸ سوره و ۱۸ آیه مختلف تکرار شده است. وجه تسمیه «صدقه» آن است که بنده به وسیله آن صدق عبودیت خویش را آشکار می سازد.^۴ در اصطلاح اسلامی، «صدقه» به معنای کمک مالی یا غیرمالی به دیگران، به ویژه نیازمندان، با نیت خیرخواهانه و برای رضای خدا است.^۵ صدقه شامل دو نوع اصلی است: ۱. صدقه واجب مانند زکات. که پرداخت آن بر مسلمانان واجد شرایط الزامی است. و کفاره حج^۶؛ ۲. صدقه مستحب به معنای

۱. طباطبائی، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. فرهیدی، ج ۵، ص ۵۶-۵۷؛ جوهری، ج ۴، ص ۱۵۰۵-۱۵۰۶؛ ابن منظور، ج ۱۰، ص ۱۹۳-۱۹۷.

۳. یوسف/ ۸۸. نیز نک: طباطبائی، ج ۱۱، ص ۲۳۵؛ فخر رازی، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۴. راغب اصفهانی، ص ۴۸۰.

۵. کاشف الغطاء، ج ۳، ص ۶۲؛ مصطفوی، ص ۶۲۸.

۶. البقرة/ ۱۹۶.

کمک داوطلبانه به دیگران، مانند دادن پول، غذا یا خدمات به فقرا، که با نیت تقرب به خدا انجام می‌شود. گاه صدقه در فرهنگ اسلامی به عنوان «صدقه جاریه» (مانند وقف یا ساختن بناهای عام‌المنفعه) نیز شناخته می‌شود که خیر آن پس از مرگ فرد ادامه می‌یابد. صدقه را از جهت متعلق آن می‌توان به دو گونه تقسیم کرد: مالی (مانند کمک به فقرا) و غیرمالی (مانند آموزش، کمک فکری، یا حتی تبسم به برادر مؤمن).^۱ بنا بر این، «صدقه» در مفهوم دینی صرفاً در انفاق داوطلبانه مالی منحصر نمی‌شود، بلکه هر کار خیر و هر آنچه را که انسان برای حوائج زندگی خود و خانواده‌اش صرف می‌شود نیز در حوزه معنای «صدقه» شمرده شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «هر کار نیکی به هر صورت باشد صدقه و انفاق در راه خدا است و هر چه انسان برای حوائج زندگی خود و خانواده خویش صرف می‌کند صدقه نوشته می‌شود».^۲

توجه به این نکته ضروری است که واژه «صدقه» در برخی آیات قرآن کریم، به معنای «صدقه واجب» یعنی زکات است.^۳ هرچند عموماً این واژه و مشتقات آن (مانند صَدَقَات و «تَصَدَّقُوا») در قرآن در آیات متعددی به عنوان عمل اختیاری و داوطلبانه (مستحبی) در معنای انفاق و کمک به دیگران، به ویژه نیازمندان، با نیت خیر به کار رفته است. در شماری از این آیات، بر اهمیت نیت خالص در صدقه تأکید شده است؛ صدقه‌ای که با منت یا آزار همراه باشد، ارزش معنوی خود را از دست می‌دهد.^۴ در آیه ۲۷۱ سوره بقره بر آشکال پرداخت صدقه اشاره شده است به گونه‌ای که نشان می‌دهد که صدقه دادن چه به صورت آشکار (برای تشویق دیگران) و چه پنهان (برای حفظ کرامت فقیر) ارزشمند است، اما صدقه پنهانی به دلیل اخلاص بیشتر، ارجح است. خداوند در آیه ۷۹ سوره توبه، از مؤمنانی که با وجود تنگدستی صدقه می‌دهند حمایت می‌کند و تمسخر مخالفان را محکوم می‌کند. بنا بر آیه ۱۰۴ سوره توبه خداوند خود، صدقات را می‌گیرد: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است که «این تعبیر، عظمت و شکوه این حکم اسلامی را مجسم می‌سازد و علاوه بر تشویق همه مسلمانان به این فریضه الهی، هشدار می‌دهد در پرداخت زکات و صدقات، نهایت ادب و احترام را به خرج

۱. حر عاملی، ج ۴، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۲. کلینی، ج ۴، ۲۶، ۲۷؛ بخاری، ج ۷، ص ۷۹؛ قرطبی، ج ۱۴، ص ۳۵۷-۳۵۸.

۳. نمونه آن، این آیه است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (التوبة/ ۱۰۳).

۴. البقرة/ ۲۶۳-۲۶۴.



دهند؛ چرا که گیرنده خداست»^۱.

بنا بر آنچه در انواع صدقه گذشت، سنت «وَقَف» را می‌توان یکی از روش‌های خدمت‌رسانی و یاری کردن فقرا و مصادیق صدقه جاریه و انفاق و تجسد روح تعاون اجتماعی در فرهنگ دینی اسلام که رواج زیادی هم دارد، به‌شمار آورد.^۲ این واژه از ریشه «وقف» به معنای ایستادن، توقف کردن یا حفظ کردن چیزی برای هدفی خاص است.^۳ در اصطلاح فقه اسلامی، «وقف» به معنای حبس مال (منع از نقل و انتقال آن) و اختصاص منافع آن به کارهای خیریه یا اهداف عام‌المنفعه است. به عبارت دیگر، وقف عبارت است از: تملیک دائمی یک دارایی (مانند زمین، خانه، و مانند آنها) به خداوند به‌گونه‌ای که اصل آن باقی بماند و منافعی در راه‌های مشروع (مانند مساجد، مدارس، فقرا و مانند آنها) هزینه شود.^۴

صدقه در آیات قرآن^۵ به‌عنوان عملی خیرخواهانه، اصلاح‌کننده و تقویت‌کننده عدالت اجتماعی معرفی می‌کنند. صدقه باید با اخلاص، بدون منت و ریا، و با هدف کمک به نیازمندان انجام شود. این عمل نه تنها خیر مادی به جامعه می‌رساند، بلکه باعث آمرزش گناهان و تعالی معنوی فرد می‌شود. به عبارت دیگر، صدقه در قرآن به‌عنوان عملی خیرخواهانه و چندوجهی مطرح شده است که دارای این دلالت‌ها است: ۱. صدقه یکی از مصادیق احسان (النحل/ ۹۰) و انفاق (البقرة/ ۲۶۱) است که خیر مادی به نیازمندان و خیر معنوی به دهنده می‌رساند (مصدق احسان و انفاق). ۲. آیات ۲۶۳ و ۲۶۴ سوره بقره تأکید دارند که صدقه باید بدون منت، آزار یا ریا باشد، که نشان‌دهنده اهمیت نیت خالص است (لزوم اخلاص و نیت خالص). ۳. صدقه به‌عنوان وسیله‌ای برای آمرزش گناهان معرفی شده است (البقرة/ ۲۷۱)، که نشان‌دهنده نقش آن در تزکیه نفس

مطالعه اجتماعی و فرهنگی
بهار و تابستان ۱۴۰۴

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. شهید اول، الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۶۳؛ جواهری، ج ۴، ص ۱۴۱.

۳. فراهیدی، ج ۵، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ جواهری، ج ۴، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ ابن منظور، ج ۹، ص ۳۵۹-۳۶۲.

۴. جواهری، ج ۴، ص ۱۴۱-۱۴۲، ج ۶، ص ۱۴۹؛ مصطفوی، ص ۶۰۹؛ بجنوردی، ج ۴، ص ۲۴۰، ۲۸۹. نکته قابل توجه اینکه در قرآن کریم، کلمه «وقف» به‌صورت صریح نیامده است، هرچند بنا بر احادیث اسلامی، مفهوم «انفاق» شامل «وقف» اصطلاحی. که در روایات به «صدقه جاریه» یا «صدقه موقوفه» تعبیر شده. نیز می‌شود. (برای نمونه نک: مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح، ج ۵، ص ۷۳؛ صدوق، الخصال، ص ۱۵۱). البته گفتنی است که مفهوم «باقیات صالحات» در آیه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (الکھف/ ۴۶؛ نیز المزمّل/ ۲۰) می‌تواند شامل نماز، تهجد، ذکر خدا و صدقات جاری همچون بنای مساجد، مدارس و موقوفات و خیرات در راه خدا باشد.

۵. البقرة/ ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱؛ التوبة/ ۷۹.

است (کَفَّارَةُ گناهان). ۴. صدقه با کمک به فقرا و نیازمندان (التوبة/ ۷۹) به کاهش نابرابری و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند (عدالت اجتماعی). از منظری دیگر، صدقه در قرآن فراتر از کمک مادی است؛ ابزاری برای تربیت فرد و جامعه است که رابطه انسان با خدا را به واسطه مؤلفه اخلاص تصحیح می‌کند، رابطه انسان با جامعه را از طریق نهاده‌ساز و توسعه عدالت اصلاح می‌کند و مال را از وسیله فخر فروشی به ابزار تقرب بدل می‌سازد. بدین ترتیب، صدقه قرآنی دارای ساختار سه لایه است: ۱. لایه فردی: تزکیه نفس از بخل (التوبة/ ۱۰۴)؛ ۲. لایه اجتماعی: توازن اقتصادی (البقرة/ ۲۷۳) و ۳. لایه متافیزیکی: قرض به خداوند^۱ (البقرة/ ۲۴۵) یا دریافت صدقه از سوی خود خداوند (التوبة/ ۱۰۴). صدقه در جوامع دینی به انسجام اجتماعی و کاهش نابرابری کمک می‌کند، که خود جلوه‌ای از دیگرخواهی جمعی است. دیگرخواهی در سطح اجتماعی می‌تواند به شکل نهادهای خیریه یا فرهنگ صدقه دادن نمود یابد. پس صدقه را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق دیگرخواهی در نظر گرفت، هرچند دیگرخواهی لزوماً به صدقه محدود نیست و ممکن است شامل فداکاری‌های غیرمادی نیز باشد. صدقه به عنوان دیگرخواهی دارای این آثار اجتماعی است: کاهش شکاف طبقاتی (از طریق الزام ثروتمندان^۲)، تقویت همبستگی اجتماعی (با ایجاد پیوند میان دارا و ندار) و پیشگیری از انحرافات اجتماعی (با تأمین نیازهای اولیه جامعه هدف).

۳-۴- اِطْعَام

از دیگر جلوه‌های انفاق داوطلبانه، «اِطْعَام» است. واژه «اِطْعَام» از ریشه «طعم» در ساختار «اِفعال». به معنای غذا دادن، تغذیه کردن و سیر کردن گرسنگان است. این واژه در اصل به عمل دادن غذا به دیگران اشاره دارد، اعم از انسان یا حیوان.^۳ در اصطلاح قرآنی و اسلامی، اطعام به معنای انفاق غذا به نیازمندان، کمک به گرسنگان و رسیدگی به معیشت محرومان است. واژه طعم و مشتقات آن ۴۸ بار در قرآن کریم آمده که ۱۶ مورد آن از باب اِفعال است؛ همچنین واژه طعام در ۵ مورد از جمله در آیه «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (الحاقة/ ۳۴)

۱. قرض الحسنه را می‌توان یکی از مصادیق صدقه برشمرد که در آیات بسیاری از قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله نک: البقرة/ ۲۴۵؛ الحديد/ ۱۱.

۲. الذاریات/ ۱۹؛ المعارج/ ۲۴-۲۵.

۳. فراهیدی، ج ۲، ص ۲۵-۲۷؛ جوهری، ج ۵، ص ۱۹۷۴-۱۹۷۵؛ ابن منظور، ج ۱۲، ص ۳۶۳-۳۶۸.



به معنای «اطعام» دانسته شده است.^۱ این عمل یکی از مصادیق بارز احسان و انفاق در اسلام محسوب می‌شود و در آیات قرآن به عنوان یکی از نشانه‌های ایمان و تقوا معرفی شده است. اطعام را باید مصداقی از انفاق و احسان به شمار آورد که افزون بر خیررسانی مادی به نیازمندان، موجب تزکیه نفس و تقرب به خدا می‌شود، از این رو عملی خیرخواهانه جایگاه معنوی فرد را نزد خداوند ارتقا می‌بخشد.

در قرآن کریم، اطعام به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان یک عمل نیک اجتماعی و عبادی توصیه شده است. بنا بر آیات قرآن کریم، اطعام سه گونه است: اطعام داوطلبانه (مانند آیات سوره انسان)، اطعام واجب (مانند کفاره روزه یا عدم پایبندی به سوگند)^۲ و اطعام در مناسک دینی (مانند قربانی کردن).^۳ کاهش فقر و گرسنگی، تحکیم پیوندهای اجتماعی و تزکیه نفس و دوری از دنیاطلبی اهدافی است که در اطعام قرآنی دنبال می‌شود. عمل اطعام نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه بخشی از برنامه اقتصادی اسلام برای مبارزه با فقر است. قرآن با تأکید بر اطعام، الگویی از جامعه عدالت‌محور را ترسیم میکند که در آن ثروتمندان به فکر نیازمندان هستند و ارتباط بین عبادت و خدمت به خلق به روشنی دیده می‌شود.

هرچند «اطعام» فقرا به عنوان کفاره ترک روزه یا عدم پایبندی به سوگند امری تکلیفی است، اما در عمده آیات مربوط به مثابه رفتاری اختیاری و داوطلبانه تلقی شده است. آیه ۱۷۷ سوره بقره، اطعام نیازمندان را بخشی از اعمال صالح برمی‌شمرد. تأکید بر انفاق مال با وجود علاقه شخصی به آن («وَأَقِ الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»؛ دادن مال محبوب به نیازمندان)، نشان دهنده ارزش والای اطعام در اسلام و ترجیح منافع دیگران بر علائق شخصی است. آیات ۱۶-۱۸ سوره بَلَد، اطعام را در شرایط قحطی و گرسنگی، به ویژه به یتیمان و فقرا، به عنوان عملی ارزشمند معرفی می‌کند. تأکید بر یتیم خویشاوند و مسکین خاک نشین نشان دهنده توجه ویژه قرآن به اقشار آسیب پذیر است. اطعام در روز گرسنگی نشان دهنده فداکاری و دیگرخواهی است.

روشن ترین آیه اطعام داوطلبانه آیات هشتم و نهم سوره انسان است که آشکارا آن را

۱. نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۴.

۲. البقرة/ ۱۸۴؛ المائدة/ ۸۹. در اینجا جهت دهی آیات به یک امری تکلیفی جالب توجه است؛ چرا که اطعام مسکین به کاهش فقر و تأمین نیازهای اولیه نیازمندان کمک می‌کند که با هدف عدالت اجتماعی در اسلام همراستاست و به نوبه خود، نشان دهنده اهمیت حمایت از محرومان در نظام اسلامی است.

۳. الحج/ ۳۶.

به مفهوم دیگرخواهی پیوند می‌زند. سیاق این آیات، توصیف حال نیکانی است که به پاس نذری که کرده بودند، با وجود علاقه شخصی، غذای خود را به «مسکین و یتیم و اسیر» می‌دهند (آیات ۵-۹). این سیاق، ایثار در اطعام را در دل یک فضیلت گسترده‌تر (وفای به نذر و شکرگزاری) قرار می‌دهد. در این آیات، از اطعام مساکین و یتیمان و اسیران (نمادهای محرومان جامعه) سخن به میان آمده است که تنها برای کسب «رضایت الهی» («إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ») و بدون چشمداشت مادی و اجتماعی (سپاسگزاری) صورت گرفته است («لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا») که کمترین حد آن تشکر زبانی است. این آیات، اطعام را به عنوان عملی خیرخواهانه و نشانه‌ای از ایمان و تقوا معرفی می‌کند که به تعالی معنوی منجر می‌شود. بنا بر این، این آیات الگوی اطعام مؤمنان را نشان می‌دهد: بی‌چشمداشت و تنها برای رضای خدا. این آیات به داستان مشهور حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و حسنین (ع) اشاره دارند که با وجود گرسنگی خود، غذایشان را به فقیر، یتیم و اسیر بخشیدند.^۱ اطعام در اینجا، مصداق بارز و نماد اعلای ایثاری است که خداوند همگان را به اهمیت و عمل به آن دعوت کرده است.

بنا بر آنچه گذشت، رابطه مفهومی اطعام و دیگرخواهی چنین قابل تبیین است که قرآن کریم، در آیات متعددی اطعام را نه یک عمل تصادفی، بلکه نماد بارز ایثار و گذشت معرفی می‌کند. اطعام، با تأکید بر سیر کردن گرسنگان (مسکین، یتیم، اسیر)، فرد را از حبس در دنیای ذهنی خود رها می‌کند و زمینه‌ساز گسست از خودمحوری است. قرآن اطعام را نه یک عمل فردی، بلکه پروژه‌ای اجتماعی می‌داند که عدالت اقتصادی را تقویت می‌کند (کاهش گرسنگی)، همبستگی اجتماعی را می‌سازد (پیوند میان فقیر و غنی) و از همه مهمتر کرامت انسانی را حفظ می‌کند (نه تنها با دادن غذا، بلکه با کیفیت آن)^۲. در تحلیل قرآنی، اطعام تنها یک «کمک مادی» نیست، بلکه تجسم عینی ایثار است؛ چراکه فرد از «مال محبوب»^۳ می‌گذرد؛ دیگرخواهی را از حوزه احساسات فردی به حوزه تکلیف دینی و مسئولیت اجتماعی ارتقا می‌دهد؛ رابطه عمودی (با خدا) و افقی (با خلق) را توأمان تقویت می‌کند. به این ترتیب، اطعام در قرآن فراتر از یک عمل خیریه

۱. در این باره نک: طباطبائی، ج ۲، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۲. تأکید بر غذای متوسط در آیه ۸۹ سوره مائده، نشان می‌دهد که اطعام باید با حفظ عزت نفس نیازمندان انجام شود، نه با غذای نامناسب.

۳. عموم مفسران، مرجع ضمیر در «علی حبه» را به «الطعام» می‌دانند. برای نمونه نک: طبرسی، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۱۲۶. محمد جواد مغنیه (التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۲۷۱) افزون بر ارائه دیدگاه بالا، معتقد است مرجع ضمیر در «علی حبه» در آیه ۱۷۷ سوره بقره به «المال» اشاره دارد.



است؛ انقلابی اخلاقی است که خودخواهی را به دیگرخواهی تبدیل می‌کند. دیگرخواهی روح کلی اطعام در شرایط سخت را تشکیل می‌دهد و اطعام ابزار عملی است که دیگرخواهی را در جامعه متجلی می‌سازد.

۳-۵- ایثار

ایثار، به عنوان یکی از عالی‌ترین سطوح دیگرخواهی، در فرهنگ اسلامی و قرآنی جایگاهی برجسته دارد. این واژه که در ساختار باب افعال از ریشه «أَثَرَ- يُؤْثِرُ» استخراج شده است، در لغت به معنای «ترجیح دادن چیزی بر چیز دیگر»، «برگزیدن و انتخاب کردن» و «باقی گذاشتن اثر» است.^۱

واژه «ایثار» در قرآن کریم نیامده است؛ اما هم خانواده‌های آن از همین باب، ۵ نوبت در قرآن^۲ در دو وجه معنایی به کار رفته است. وجه نخست، مقدم داشتن دنیا بر آخرت که در آیاتی نظیر ۹۱ سوره یوسف و ۷۲ سوره طه ذکر شده و از آن به عنوان اقدامی مذموم یاد شده است.^۳ در مقابل، وجه دوم ایثار در معنای مثبت خود به عنوان یک فضیلت برتر مطرح شده است که در سه آیه دیده می‌شود: در آیه ۹۱ یوسف، برادران یوسف از برتری او سخن می‌گویند و ساحران در آیه ۷۲ طه، برگزیدن معجزات موسی (ع) بر فرعون را تأیید می‌کنند.

از دیدگاه اسلامی، پسندیده یا ناپسند بودن ایثار بستگی به هدف ایثارگر و متعلق ایثار دارد. اگر هدف از ایثار رضایت الهی باشد، این عمل ستوده است؛ اما اگر در راستای کسب منافع دنیوی انجام شود، فاقد ارزش اخلاقی خواهد بود.^۴

بر اساس آیات قرآن، ایثار به عنوان عالی‌ترین جلوه دیگرخواهی در میان مؤمنان مطرح شده است. آیه ۹ سوره حشر، بارزترین نمونه قرآنی ایثار را در ماجرای مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه بیان می‌کند. سیاق آیات پیشین (آیات ۷ تا ۹) به توزیع فیه (غنیمت بدون جنگ) و اولویت دادن به مهاجران محروم می‌پردازد. در این بافت، آیه مذکور انصار را توصیف می‌کند که با وجود نیازمندی خود، مهاجران را بر خویش مقدم می‌دارند («وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»). واژه «خَصَاصَةٌ» به معنای «فقر و حاجت» است و تأکید می‌کند که ایثار آنان - یعنی انصار - نه در رفاه، که در شرایط سخت و نیاز شخصی رخ داده است.^۵

۱. جوهری، ج ۲، ص ۵۷۴-۵۷۶؛ ابن منظور، ج ۴، ص ۵-۱۰؛ زبیدی، ج ۶، ص ۱۲-۱۳.

۲. یوسف/ ۱۲، ۹۱؛ طه/ ۲۰، ۷۲؛ الحشر/ ۹، ۵۹؛ النازعات/ ۳۸، ۷۹؛ اعلیٰ/ ۱۶، ۸۷.

۳. النازعات/ ۳۸؛ اعلیٰ/ ۱۶.

۴. قطبی و همکاران، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۵. طبرسی، ج ۹، ص ۴۲۹؛ طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۰۶.

این نوع از دیگرخواهی که قرآن از آن با عنوان ایثار یاد می‌کند، فارغ از هرگونه چشمداشت و صرفاً برای رضای الهی انجام شده است. این تحلیل، نظریه «خودگرایی روانشناختی» توماس هابز را به چالش می‌کشد. بر اساس این نظریه، حتی رفتارهای به ظاهر دیگرخواهانه نهایتاً برای منافع فردی انجام می‌شوند.^۱ در قرآن کریم، ایثار تنها به بخشش مال محدود نمی‌شود، بلکه ایثار جانی (شهادت) نیز در آیات قرآنی مطرح شده است. جهاد در راه خدا به عنوان یکی از مصادیق ایثار شناخته می‌شود؛ چراکه مجاهدان جان و مال خود را برای نجات دیگران فدا می‌کنند. قرآن، جهاد را نه صرفاً یک اقدام نظامی، بلکه حرکتی انسانی و الهی معرفی می‌کند که هدف آن حمایت از مظلومان و حفظ کرامت انسان هاست.^۲ قرآن همچنین جهاد با هوای نفس را نیز در زمره ایثار قرار داده و آن را عاملی برای خدمت بهتر به جامعه می‌داند.^۳

بررسی معناشناسی واژه ایثار در قرآن نشان می‌دهد که این مفهوم با اصطلاحات متعددی هم‌پوشانی دارد. مفاهیمی همچون احسان، اطعام، إعطاء و شهادت، در ارتباط مستقیم با ایثار قرار دارند. در مقابل، واژه‌هایی مانند بخل، شح، قنور و ضنین به عنوان ضداِ ایثار شناخته می‌شوند. همچنین مفاهیمی مانند اختیار، تفصیل، اصطفاء و اجتناء در هم‌معنایی نسبی با ایثار قرار می‌گیرند.^۴

ارتباط میان ایثار و دیگرخواهی را می‌توان در چهار بُعد اساسی بررسی کرد: ۱. اولویت خیر دیگران: قرآن در آیه حشر، ایثار را به عنوان فداکاری در شرایط دشوار معرفی کرده است که با تعریف دیگرخواهی تطابق دارد؛ ۲. انگیزه غیرخودخواهانه: ایثار قرآنی بر رضایت الهی و تقویت پیوندهای ایمانی تأکید دارد، مشابه دیگرخواهی که ناشی از همدلی یا ارزش‌های اخلاقی است (نظریه «همدلی- دیگرخواهی»)^۵؛ ۳. تأثیر اجتماعی: ایثار در قرآن به همبستگی اجتماعی کمک کرده و نمونه آن را در تعامل مهاجران و انصار بیان کرده است، مشابه دیگرخواهی در نظریه «دگرخواهی متقابل»؛^۴ ۴. فضیلت اخلاقی بودن: اسلام، ایثار را نشانه تقوا و کمال انسانی می‌داند، در حالی که فلسفه اخلاق، دیگرخواهی را یک فضیلت در چارچوب اخلاق فضیلت و نتیجه‌گرایی معرفی می‌کند. بنا بر این، ایثار در قرآن کریم، عالی‌ترین سطح دیگرخواهی است که در آن فرد، مصالح

۱. هابز، لویاتان، ۱۶۵۱؛ عروتی موفق، ص ۲۸-۴۳.

۲. النساء/ ۷۵.

۳. التوبه/ ۱۱۱.

۴. سیدی و رفیعی، ص ۹۸-۱۰۱.



دیگری را بر منافع خود مقدم می‌دارد. این مفهوم نه تنها به تعاملات مالی، بلکه به فداکاری جانی نیز ارتباط دارد و گستره آن از انفاق تا شهادت را در بر می‌گیرد. با بررسی معناشناختی ایثار و ارتباط آن با دیگرخواهی، می‌توان نتیجه گرفت که ایثار قرآنی بر مبنای ایمان، محبت و عدالت استوار بوده و در نظام اجتماعی، همبستگی و تعاون را تقویت می‌کند.

۳-۶- تعاون

همیاری و تعاون بر نیکی از دیگر مفاهیم به کار رفته در آیات قرآن کریم است که با مفهوم دیگرخواهی ارتباط دارد. «تعاون» از ماده «عَوَن» به معنای یاری، کمک و همکاری است. این ریشه ۱۱ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته است. صیغه‌های ابواب «افعال» (کهف/ ۹۵)، «تَفَاعُلُ» (المائدة/ ۲) و «استفعال» (البقره/ ۴۵، ۱۵۳) همچنین یک مورد صفت مشبّهه «عَوَانٌ»: (البقره/ ۶۸) از این ماده در قرآن به کار رفته است. واژه‌هایی چون «ظهِیر» (البقره/ ۸۵؛ الفرقان/ ۵۵؛ التحريم/ ۴)، «اجتماع» (اسراء/ ۸۸) و «انتصار» (الشوری/ ۳۹) نیز با مفهوم تعاون، نزدیکی معنایی دارند. تعاون به معنای مشارکت و همکاری متقابل میان افراد برای دستیابی به هدفی مشترک است. «تعاون» به صورت مصدر باب تفاعل، نشان‌دهنده مشارکت و همکاری دوجانبه بین دو یا چند طرف است.^۱ در اصطلاح اسلامی، تعاون به همکاری و هم‌افزایی افراد در امور خیر، نیکوکاری و دستیابی به اهداف اجتماعی و معنوی اشاره دارد. این مفهوم در فرهنگ اسلامی به معنای همیاری در مسیر تقوا، خیر و اصلاح جامعه است و از رقابت‌های مخرب یا همکاری در امور ناپسند متمایز می‌شود.^۲ تعاون در فقه، اخلاق، و اقتصاد اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان یک اصل اجتماعی و دینی مورد تأکید قرار گرفته است.

مهمترین آیه که صراحتاً به «تعاون» اشاره دارد، آیه ۲ سوره مائده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». «الْبِرُّ» به معنای نیکوکاری، خیر و هر عمل صالحی است که به نفع فرد و جامعه باشد، مانند کمک به نیازمندان، احسان، و انجام واجبات.^۳ بنا بر این، همکاری در نیکی (الْبِرُّ) شامل هرگونه عمل خیر، اعم از کمک مادی، معنوی، عدالت اجتماعی، احسان و مانند اینها

۱. فراهیدی، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ جوهری، ج ۶، ص ۲۱۶۸-۲۱۶۹. نیز نک: طبری، ج ۱، ص ۵۵۹؛ طوسی، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. طباطبائی، ج ۵، ص ۱۶۳.

۳. طباطبائی، ج ۳، ص ۳۴۴، ج ۵، ص ۱۶۳.

می‌شود، همچنانکه همکاری در تقوا به معنای تشویق یکدیگر به ترک گناه، امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. این بخش از آیه، مؤمنان را به همکاری در امور خیر و تقویت معنویت و اخلاق دعوت می‌کند. تعاون در این زمینه، جامعه اسلامی را به سوی پیشرفت مادی و معنوی سوق می‌دهد. بنا بر نهی از همکاری در گناه (الإثم) و تجاوز به حقوق دیگران (العدوان)، هرگونه مشارکت در ظلم، فساد یا نقض حقوق دیگران ممنوع است. به عبارت دیگر، این بخش از آیه، همکاری در امور ناپسند، ظالمانه یا مضر به جامعه را ممنوع می‌کند.^۱ محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ق) معتقد است که موضوع این آیه، همیاری اجتماعی است و مسؤولیتهای اجتماعی آحاد جامعه را یادآور می‌شود؛ شخص قوی در برابر انسان ضعیف، ثروتمند در مقابل فرد نیازمند، عالم در برابر جاهل و افراد دارای شأن اجتماعی در برابر اصلاح روابط میان افراد مسؤول هستند.^۲

تعاون و دیگرخواهی، دو مفهوم مرتبط در فرهنگ اسلامی و اخلاق انسانی هستند که هر دو بر تقویت روابط اجتماعی و خیر جمعی تمرکز دارند. دیگرخواهی می‌تواند به عنوان انگیزه و روح حاکم بر تعاون عمل کند؛ زیرا همکاری در امور خیر اغلب نیازمند از خودگذشتگی و توجه به نیازهای دیگران است. هر دو مفهوم به خیر جمعی و بهبود وضعیت جامعه منجر می‌شوند. تعاون از طریق همکاری سازمان‌یافته و دیگرخواهی از طریق فداکاری فردی یا گروهی، به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک می‌کنند.

تعاون (همیاری دوجانبه)، همکاری مبتنی بر ارزش‌های الهی برای تحقق «یر» (نیکی) و «تقوا» (پرهیزگاری) است. قرآن دیگرخواهی را در قالب تعاون نظام‌مند می‌کند تا بر جهت‌گیری، بسط و توسعه نیکی و تقوا از سوی همه آحاد جامعه تأکید کند و از انحراف آن به سوی وقوع ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی پرهیز دهد. نکته حائز اهمیت اینکه، تعاون معمولاً شامل همکاری دوجانبه یا گروهی است که ممکن است به نفع همه طرفین باشد، از این رو نیازمند هماهنگی میان افراد است، اما دیگرخواهی بیشتر بر فداکاری یک طرفه و اولویت دادن به دیگران تمرکز دارد.

شاید بتوان گفت تعاون و دیگرخواهی مکمل یکدیگرند. تعاون بدون دیگرخواهی ممکن است به همکاری‌های صرفاً مادی و منفعت‌طلبانه محدود شود، در حالی که دیگرخواهی بدون تعاون ممکن است اثربخشی اجتماعی کافی نداشته باشد.

۱. طوسی، ج ۳، ص ۴۲۷؛ طبرسی، ج ۳، ص ۲۶۷؛ طباطبائی، ج ۵، ص ۸۲، ۱۶۰، ۱۶۳.
۲. مغنیه، التفسیر المبین، ص ۱۳۵.



در فرهنگ اسلامی، این دو مفهوم در کنار هم، به ساخت جامعه‌ای مبتنی بر خیر جمعی، عدالت و تقوا کمک می‌کنند.

۴. کسب رضایت الهی، هدف دیگرخواهی قرآنی

در بخش دوم همین مقاله گذشت که تعریف «دیگرخواهی» در مطالعات بشری بر چهار مؤلفه متکی است که از جمله آنها «لحاظ نمودن رفاه دیگری به عنوان هدف» و «نداشتن توقع جبران و پاداش» است. این دو مؤلفه به صورت بسیار پررنگی در آیات قرآن کریم نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم می‌خواهد با هدایت انگیزه‌های نوع‌دوستانه مسلمانان به سمت خداگرایی و معطوف کردن رفتارها به اهداف الهی، از تقلیل این انگیزه‌ها به صرف «رفاه دیگران» جلوگیری کند و بر عنصر «بی‌چشمداشت بودن» این اعمال تأکید ورزد. از این رو در کنار مفاهیم متعدد دیگرخواهانه قرآنی، کاربرد پربسامد عباراتی همچون «فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱، «لِوَجْهِ اللَّهِ»^۲، «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۳، «ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ»^۴ و «ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ»^۵ که بر شرط عنصر خلوص نیت الهی در عمل اشاره دارند. بر هدف و غایت الهی دیگرخواهی در بافت مفهومی قرآن کریم تأکید دارند که به نوبه خود بر وجود دیگرخواهی با اهداف غیرمادی دلالت می‌کنند. این امر را می‌توان از شاخصه‌های ممتاز دیگرخواهی در جوامع خداویر توحیدی به شمار آورد. طباطبائی معتقد است که مقصود از «فی سبیل الله» در امر به انفاق، «هر کاری است که برای رسیدن به رضایت الهی و با هدفی دینی انجام می‌گیرد»^۶.

در دیگرخواهی بشری، رفتارهای دیگرخواهانه معمولاً برای دستیابی به رضایت شخصی یا شهرت انجام می‌شود، اما قرآن رضایت خدا را معیار می‌داند («فِي سَبِيلِ اللَّهِ»). توضیح مطلب اینکه، «سبیل الله» یعنی آن چیزی که در راه فردی و خصوصی مصرف نشود و به نفع عموم باشد، هرچه که مصلحت و منفعت عموم مردم در آن است، راه خدا نامیده می‌شود.^۷ عبارت «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در آیه ۲۶۱ سوره بقره در ارتباط با انفاق، نشان می‌دهد که انفاق زمانی ارزشمند است

۱. این عبارت ۴۴ مرتبه در ۴۲ آیه قرآن تکرار شده است، برای نمونه نک: البقرة/ ۱۹۵، ۲۶۱، ۲۶۲؛ الأنفال/ ۶۰؛ التوبة/ ۳۴؛ محمد/ ۳۸.

۲. الإنسان/ ۹.

۳. البقرة/ ۲۰۷، ۲۶۵؛ النساء/ ۱۱۴.

۴. البقرة/ ۲۷۲.

۵. الحديد/ ۲۷.

۶. طبرسی، ج ۲، ص ۳۵؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۳۸۵.

۷. مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۷۵-۷۶.

که هدف الهی داشته باشد، و این هدف جز از طریق رفع نیاز دیگران محقق نمی‌شود. بنابراین، انفاق، عملی خداپسندانه با محوریت خدمت به خلق و در رویکردی وسیع‌تر، دیگرخواهی در قرآن، ابزاری برای تقرب به خدا است.

در آیات قرآن، از جهاد در راه خدا با جان و مال یاد شده است و به‌ویژه قتال در راه خدا اهمیت زیادی دارد. بنا بر آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۱ برخی انسان‌ها از ایثار جان، هیچ قصدی جز کسب رضایت الهی ندارند. مسلم است که نیت خالص مذکور در آیه، تمایل برای کسب نام، شهرت، منفعت مالی، شأن اجتماعی و سایر انگیزه‌های محتمل را از دایره «انگیزه فاعل از دیگرخواهی» خارج می‌سازد و آن را تبدیل به دیگرخواهی خالص می‌کند. مطابق آیات «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» آن ایثاری مورد پذیرش خداوند است که در آن، انتظار جبران و تشکر وجود نداشته باشد و تنها برای خدا و کسب رضای او انجام شود.

تأیید دیگرخواهانه بودن یک عمل بستگی به انگیزه و قصد فاعل از آن دارد. به‌طور واضح، آن چیزی که به «اقدام عمدی که درنهایت به بهزیستی دیگران می‌انجامد» مشروعیت می‌بخشد، این است که آن «دیگران» چه کسانی هستند و آن «اقدام عمدی» چه نوع اقدامی است.^۲ این اختلاف نگاه در میان مسلمانان هم وجود دارد. خداوند در آیه ۳۶ سوره انفال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ» بنابراین، کسانی که در آمریکا، کمک‌های بلاعوض برای تجهیز ارتش اسرائیل تخصیص می‌دهند نیز، در نظر یک مسلمان، دیگرخواه محسوب نمی‌شوند. برای یک فرد مسلمان، معیار ارزشمندی، نگاه و نظر سایر مردم نسبت به عمل او نیست، بلکه تنها اعمال خداپسندانه دارای ارزش است.

بدین ترتیب، قرآن انگیزه‌های مادی یا شهرت‌طلبانه را در توصیه به دیگرخواهی در قالب مفاهیم خودساخته خود را نفی می‌کند. در نظریه‌های غربی (مثل «ژن خودخواه» داوکینز)، دیگرخواهی ممکن است ناشی از منافع غیرمستقیم باشد، اما ایثار قرآنی ذاتاً ارزشمند است.



۵. تحلیل شبکه مفهومی دیگرخواهی در قرآن

بر اساس آنچه در بخش پیشین نوشتار گذشت، ساختار شبکه مفهومی دیگرخواهی در قرآن کریم را می‌توان در قالب یک شبکه مفهومی سلسله مراتبی با چهار لایه اصلی طراحی کرد. لایه نخست، کلان مفهوم «دیگرخواهی قرآنی» است که در لایه دوم شامل مفاهیم اصلی ایثار، انفاق، تعاون، احسان و اطعام است. لایه سوم، مفاهیمی همچون زکات، خمس، صدقه، وقف، جهاد مالی و کفارات شرعی به عنوان مصادیق عملی مفاهیم اصلی را دربرمی‌گیرد. لایه چهارم را نیز می‌توان به مفاهیمی همچون «اخلاص» (با تعبیری مانند «فی سبیل الله»، «لوجه الله» و مانند اینها) و «عدم منت» به عنوان اصول حاکم بر دیگرخواهی قرآنی اختصاص داد. میان شماری از مفاهیم اصلی این شبکه مفهومی، ارتباط افقی می‌توان برقرار کرد: ایثار شکل متعالی انفاق، اطعام مصداق عینی احسان و تعاون بستر مفهومی و نهادی برای انفاق است. در این شبکه مفهومی که قرآن از دیگرخواهی ارائه می‌دهد، مفهوم «فی سبیل الله» به عنوان هسته مرکزی و «اخلاص» به عنوان شرط اعتبار همه مفاهیم کار می‌کند و ساختار شعاعی همه مفاهیم به «رضایت الهی» ختم می‌شوند.

در قرآن کریم، نظام دیگرخواهی از مجموعه‌ای حلقه‌های بازخوردی هوشمندانه تشکیل شده که مانند دستگاه خودتنظیم‌گری عمل می‌کنند. این حلقه‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نخست حلقه‌های تقویت‌کننده مثبت، با این توضیح که انسان وقتی انفاق می‌کند، خداوند برکت را در مال او جاری می‌سازد (البقرة/۲۶۱)؛ این برکت، توانایی او را برای انفاق بیشتر افزایش می‌دهد. همچون دانه‌ای که هفت خوشه می‌دهد و هر خوشه صد دانه! به همین شکل، زمانی که انسان احسان می‌کند، محبت اجتماعی رشد می‌کند و این محبت، بستر تعاون را تقویت می‌نماید (الرعد/۲۲). دو، حلقه‌های تعادل بخش منفی بدین گونه که چنانچه شخصی ثروت خود را ذخیره کند (کنز)، فقر عمومی گسترش می‌یابد و این فقر، امکان انفاق جمعی را کاهش می‌دهد (التوبة/۳۴). یا وقتی بخل می‌ورزد، روحیه ایثار در او ضعیف می‌شود و این ضعف، او را از رسیدن به فلاح دور می‌سازد (الحشر/۹). این شبکه مفهومی مشتمل بر حلقه‌های ترکیبی هوشمند نیز است که مبتنی بر آن، تعاون در نیکی، امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد و این امنیت، زمینه را برای تعاون بیشتر فراهم می‌کند (مائده:۲). همچنین اطعام نیازمندان، رضایت الهی را جلب می‌کند و این رضایت، روزی فرد را گسترش می‌دهد (الإنسان/۹). این حلقه‌ها همچون دستگاه هوشمندی عمل می‌کنند که

هم به رشد فردی کمک می‌کنند و هم تعادل اجتماعی را حفظ می‌نمایند. هر عمل دیگرخواهانه تو، پاداشی دارد که توانایی‌ات را برای عمل بیشتر افزایش می‌دهد و هر خودخواهی، محدودیتی ایجاد می‌کند که تو را به اصلاح دعوت می‌نماید. این‌گونه قرآن، دیگرخواهی را به نظامی پویا تبدیل کرده که همزمان هم فرد را می‌سازد و هم جامعه را به پیش می‌برد.

در شبکه مفهومی دیگرخواهی قرآنی، حلقه‌های بازخوردی از چهار ویژگی کلیدی برخوردارند که آنها را به نظامی حکیمانه تبدیل می‌کند:

۱. هدفمندی خدامحوری: حلقه‌های قرآنی همیشه هدفمند هستند؛ هر حلقه به تحقق یکی از این اهداف منجر می‌شود: تقویت ایمان فردی، تحکیم پیوندهای اجتماعی و ایجاد تعادل اقتصادی. هر حلقه مانند مسیری طراحی شده که نهایتاً به «تقرب به خدا» ختم می‌شود. وقتی انفاق می‌کنی، نه تنها نیازمندان را سیراب می‌کنی، بلکه خودت را به خدا نزدیک‌تر می‌کنی (البقرة/۲۶۵). این همان حکمت «فی سبیل الله» است که به تمام اعمال دیگرخواهانه معنا می‌بخشد.

۲. خودتنظیم‌گری اخلاقی: قرآن به جای دستورات خشک، مکانیسم‌های خوداصلاحی قرار داده است، به گونه‌ای که حلقه‌های منفی به عنوان «ترمزهای اخلاقی» عمل می‌کنند. برای نمونه، اگر در مسیر بُخل قدم برداری، حلقه‌های بازخورد منفی مانند «شُخْ نفس» (الحشر/۹) با تذکر الهی تو را هشدار می‌دهند. این حلقه‌ها نشان می‌دهد که نظام دیگرخواهی قرآنی یک سیستم پویا و خوداصلاح‌گر است که هم به رشد فردی و هم به تعادل اجتماعی کمک می‌کند. این سیستم هوشمند، پیش از آنکه جامعه آسیب ببیند، فرد را آگاه می‌کند.

۳. اثر ترکیبی و تکاملی: نیکویی‌های کوچک تو، مانند قطره‌های آبی که به دریا می‌پیوندند، تبدیل به موجی از برکت می‌شوند. یک انفاق ساده می‌تواند چرخه‌ای از خیرات را به راه اندازد (البقرة/۲۶۱) که هم در مال تو برکت ایجاد می‌کند و هم در جامعه اعتماد می‌آفریند.

۴. تعادل پویا: این حلقه‌ها مانند ترازوی الهی عمل می‌کنند که همزمان هم به رشد فردی توجه دارد و هم تعادل اجتماعی را حفظ می‌کند. وقتی تو اطعام می‌کنی (الإنسان/۹)، هم خودت رشد می‌کنی، هم فقیر سیر می‌شود، و هم جامعه از فقر فاصله می‌گیرد. این همان «میزان» الهی است که همه چیز را در جای خود قرار می‌دهد.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که نظام دیگرخواهی قرآن، نه مجموعه‌ای از دستورات خشک، بلکه اکوسیستم زنده‌ای است که همزمان با پرورش فرد،



جامعه را نیز به سمت تعالی هدایت می‌کند. هر عمل فرد در این سیستم، هم اثر فوری دارد و هم برکت آینده را تضمین می‌نماید.

در شبکه مفهومی دیگرخواهی قرآنی، روابط بین مفاهیم به شیوه‌های عمیقی طراحی شده است که هر کدام حکمت خاصی دارد:

۱. روابط افقی (هم‌سطحی): مفاهیمی مانند ایثار و انفاق مانند دو بال پروازند - ایثار روح انفاق است و انفاق جلوه عملی ایثار (الحشر/۹؛ البقرة/۲۶۱). این دو مفهوم هم‌زمان همدیگر را تکمیل می‌کنند و هم تقویت می‌نمایند. احسان و اطعام نیز چنین رابطه‌ای دارند؛ احسان بذر نیکویی است و اطعام ثمره آن (الإنسان/ ۸-۹).

۲. روابط عمودی (سلسله‌مراتبی): خداوند مفاهیم را مانند نردبانی ترتیب داده است. دیگرخواهی در رأس قرار دارد و زیرمجموعه‌های آن مانند ایثار و انفاق، پله‌های رسیدن به این فضیلت هستند. هر مفهوم اصلی، مصادیق عملی خود را دارد؛ مثلاً انفاق به زکات و صدقه تقسیم می‌شود (التوبة/ ۶۰) و ایثار به جهاد و شهادت منتهی می‌گردد (النساء/ ۷۵).

۳. روابط متقاطع (میان‌بخشی): وقتی تعاون و احسان با هم پیوند می‌خورند، امر به معروف متولد می‌شود (لقمان/ ۱۷). یا وقتی وقف و صدقه ترکیب می‌شوند، «صدقه جاریه» شکل می‌گیرد که پیوندی است بین ماندگاری و سخاوت. این روابط نشان می‌دهد چگونه مفاهیم قرآنی در هم تنیده شده‌اند.

۴. ساختار شعاعی (هسته‌ای): همه مفاهیم مانند پرتوهای خورشید به یک نقطه مرکزی می‌رسند: «رضایت الهی» (البقرة/ ۲۷۲). این ساختار نشان می‌دهد تمام اشکال دیگرخواهی، از انفاق گرفته تا جهاد، وقتی ارزشمندند که به قصد «فی سبیل الله» انجام شوند. مثل دایره‌ای که مرکز آن اخلاص است و تمام مفاهیم بر این محور می‌چرخند.

این روابط نشان می‌دهد قرآن کریم چگونه شبکه‌ای منسجم از مفاهیم اخلاقی ایجاد کرده که هم عمق فردی دارد و هم گستردگی اجتماعی. هر مفهوم هم به تنهایی ارزشمند است و هم در ارتباط با دیگر مفاهیم معنا پیدا می‌کند. این همان حکمت بی‌نظیر قرآن در تربیت انسان کامل و جامعه متعادل است.

مفهوم کلیدی	ریشه لغوی	تعداد تکرار (مشتقات شامل)	سوره‌های شاخص	جایگاه مفهومی
إحسان	ح س ن	حدود ۱۹۰ مورد	بقره، نساء، نحل، اسراء	پایه و اساس اخلاقی که سایر مفاهیم در ذیل آن قرار می‌گیرند (کلان مفهوم/چتر معنایی)
إنفاق	ن ف ق	حدود ۷۳ مورد	بقره، آل عمران، توبه	تجلی عینی و مالی احسان (مفهوم عملیاتی - اقتصادی)
صدقه	ص د ق	حدود ۲۰ مورد	بقره، توبه، نساء	تأکید بر راستی و خلوص نیت در بخشش (مصدق انفاق)
إطعام	ط ع م	حدود ۴۸ مورد	بقره، انسان، بلد	ملموس ترین شکل کمک مستقیم به نیازمند (مصدق عینی و احساسی)
ایثار	أ ث ر	۶ مورد	یوسف، حشر، طه	والا ترین سطح دیگرخواهی که مستلزم گذشتن از حق خود است (مفهوم اوجی و متعالی)
تعاون	ع و ن	۱ مورد	مائده	بستر و مکانیسم اجتماعی تحقق سایر مفاهیم (چارچوب نهادی و اجتماعی)

جدول: بسامد مفاهیم کلیدی دیگرخواهی در قرآن کریم

بررسی بسامد واژگان در قرآن کریم، تنها یک شمارش کمی نیست، بلکه دریچه‌ای به سوی «نقشه مفهومی» و اولویت‌های ارزشی نظام اخلاقی قرآن است. داده‌های جدول فوق، اطلاعات معناداری را در اختیار ما قرار می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول بالا و در تحلیل مبتنی بر بسامد مفاهیم آن، می‌توان چنین گفت که مفهوم «احسان» با دارا بودن بالاترین بسامد، به عنوان زیرساخت و چتر مفهومی سایر رفتارهای دیگرخواهانه در قرآن قابل تحلیل است. در مقابل، «ایثار» با وجود تکرار کم، به دلیل وصف حال انصار در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ اسلام (الحشر/۹)، از والا ترین جایگاه ارزشی برخوردار است. تکرار زیاد «انفاق» نیز نشان از اهمیت نظام اقتصادی و توزیع مجدد دیگرخواهی در اسلام دارد. از نظرگاه دیگر، بسامد بسیار بالای «احسان» (۱۹۰ بار) و «انفاق» (۷۳ بار) نشان می‌دهد که قرآن، دیگرخواهی را پیش از هر چیز، بر پایه‌ای اخلاقی - عملی بنا نهاده است.



«احسان» به عنوان روح حاکم بر تمامی نیکی‌ها، و «انفاق» به عنوان مهم‌ترین تجلی مادی آن، ستون فقرات اخلاق اجتماعی قرآن را تشکیل می‌دهند. با وجود تکرار کم واژه «ایثار» (تنها ۶ بار)، قرارگیری آن در آیات کلیدی مانند آیهٔ مربوط به انصار (الحشر/۹) که در شأن نزول آن، ایثار به عنوان «برترین عمل» ستوده شده است، نشان می‌دهد که قرآن برای کیفیت فداکاری ارزشی فراتر از کمیت رفتاری قائل است. این مفهوم، قلهٔ هرم دیگرخواهی قرآنی را تشکیل می‌دهد. تکرار تنها یک بارهٔ «تعاون» در آیهٔ معروف «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ...» (المائدة/۲)، به دلیل دامنهٔ شمول گسترده و نقش سازمان‌دهندهٔ آن، نشان از اهمیت کلیدی این مفهوم در تبدیل دیگرخواهی فردی به یک «نظام اجتماعی» دارد. این آیه، چارچوبی فراگیر برای همهٔ اشکال دیگرخواهی ارائه می‌دهد.

در تحلیل مبتنی بر پراکندگی سوره‌ها چنین می‌توان گفت که تمرکز مفاهیمی مانند «انفاق» و «صدقه» در سوره‌های مدنی (به ویژه بقره، آل عمران و توبه) حاکی از آن است که با تشکیل جامعهٔ اسلامی، قرآن به طور نظام‌مند به نهادسازی اقتصادی، اجتماعی و تنظیم روابط مالی بر پایهٔ دیگرخواهی پرداخته است. حضور مفهوم «احسان» در سوره‌های گوناگون مکی و مدنی (مانند نحل، اسراء، بقره و نساء) نشان از فراگیری و ثبات این ارزش در همهٔ مراحل دعوت اسلامی دارد.

نتیجه‌گیری

یک. مفهوم «دیگرخواهی» در قرآن کریم با ایثار، انفاق، تعاون، احسان، صدقه و اطعام به عنوان مفاهیم اساسی و کلیدی و نیز مصادیق عملیاتی آن همچون زکات، خمس و وقف ارتباط دارد. مفاهیم دیگرخواهانهٔ قرآنی (همچون ایثار و احسان به دیگران بدون چشمداشت) به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب مفاهیم اخلاقی، عبادی و اجتماعی مطرح شده است. این مفاهیم در یک شبکهٔ همبسته قرار می‌گیرند که محوریت آن بر رابطه با خدا (عبادت) و رابطه با خلق (اخلاق اجتماعی) استوار است. بنا بر آنچه گذشت، در تبیین این مفاهیم در آیات قرآن کریم، بر مؤلفه‌های چهارگانهٔ دیگرخواهی یعنی آگاهانه و از روی قصد بودن فعل، ارادی و داوطلبانه بودن، لحاظ نمودن رفاه دیگری به عنوان هدف و نداشتن توقع جبران و پاداش تأکید شده است. بنا بر آنچه گذشت، ایثار قرآنی، متعالی‌ترین شکل دیگرخواهی است که هم به فرد تعالی می‌بخشد و هم جامعه را متحول می‌کند.

دو. این مفاهیم با یکدیگر، در گروه هدفی که مورد خیر رسانی قرار می‌گیرند

یکسان نیستند؛ برخی مثل وقف عام‌المنفعه هستند و برخی مثل اطعام گروه‌های کوچک‌تری را شامل می‌شوند. نکته دیگر این‌که برخی از این موارد به عنوان انفاق واجب، مثل زکات، خمس و کفاره‌های شرعی، تکلیف مسلمانان هستند و برخی دیگری مثل پرداخت صدقه، انجام ایثار، احسان و اطعام مستحب به شمار می‌روند. شاید بتوان گفت وجود اقسام واجب دیگرخواهی برای این است که در اسلام، رفع فقر و محرومیت از جامعه، جزو اهداف اساسی دین به شمار می‌رود؛ بنابراین لازم است دستوراتی در جهت رسیدن به این مهم وجود داشته باشد. اسلام با اعلام وجوب اموری چون زکات و خمس، حد خاصی از دیگرخواهی را در جامعه تضمین می‌کند و مابقی اقسام دیگرخواهی را مستحب باقی گذاشت تا انسان‌ها با اختیار خود آن را انجام دهند و در اثر مبارزه با هوای نفس، به بلوغ فکری و معنوی برسند.

سه. توجه به مفاهیم دیگرخواهانه در بیان قرآن کریم بر تمایزات کلیدی آنها با مفهوم شناخته شده دیگرخواهی در مطالعات امروزی تأکید دارد. نخستین وجه تمایز کلیدی، انگیزه است که در دیگرخواهی ممکن است برای احساس رضایت شخصی یا کسب امتیازهای مادی باشد، حال آنکه در بافت مفاهیم قرآنی، صرفاً دستیابی به رضای خداوند انگیزه اعمال دیگرخواهانه است. در برخی نظریه‌های دیگرخواهی (مانند خودخواهی روان‌شناختی)، رفتارهای به‌ظاهر دیگرخواهانه ممکن است به انگیزه‌های پنهان شخصی (مثل کسب رضایت درونی) نسبت داده شوند، اما ایثار قرآنی معمولاً با نیت خالص الهی توصیف می‌شود. حد فداکاری دومین وجه تمایز است. در دیگرخواهی، بر اعمال دیگرخواهانه در حد توانایی‌های معمولی تأکید می‌شود در حالی که در زبان قرآن کریم، حتی در شرایط سخت («خَصَاصَةً» به معنای فقر شدید) نیز اشاره شده است. وجه سوم را می‌توان در پشتوانه فلسفی دانست که دیگرخواهی شناخته شده، مبتنی بر اومانیسم یا اندیشه تکامل است، در حالی که ایثار قرآنی در ابتدای رابطه انسان با خداوند معنا می‌یابد. ایثار در قرآن ریشه در ایمان و رابطه با خدا دارد و غالباً با پاداش اخروی (مانند بهشت در التوبة/۱۱۱) مرتبط است. در مقابل، دیگرخواهی در نظریه‌های سکولار (مانند زیست‌شناسی تکاملی) ممکن است بدون بعد معنوی و صرفاً بر اساس بقا یا همکاری اجتماعی توضیح داده شود.

چهار. قرآن کریم با طراحی نظامی هوشمندانه، دیگرخواهی را به عنوان «شبهه‌ای زنده و پویا» ترسیم می‌کند که در آن: ۱. همه مفاهیم (از ایثار و انفاق تا تعاون و احسان) مانند حلقه‌های به هم پیوسته‌اند که حول محور «رضایت الهی»



می‌چرخند. ۲. روابط افقی بین مفاهیم (مانند پیوند ایثار و جهاد) نشان می‌دهد که دیگرخواهی در قرآن، هم «فردی» است و هم «جمعی». ۳. سلسله مراتب عمودی (از کلان مفاهیم تا مصادیق عملی مثل زکات و وقف) ثابت می‌کند که این نظام هم «تئوری» دارد هم «راهکار اجرایی». ۴. حلقه‌های بازخوردی (مثل انفاق ← برکت ← انفاق بیشتر) مانند موتور محرکه‌ای هستند که هم به رشد فرد کمک می‌کنند و هم جامعه را متحول می‌سازند. این شبکه مفهومی نشان می‌دهد قرآن، دیگرخواهی را صرفاً یک «فضیلت اخلاقی» نمی‌داند، بلکه آن را به «نظامی جامع» تبدیل کرده که با اخلاص شروع می‌شود، با مسئولیت اجتماعی ادامه می‌یابد و با تحقق عدالت به کمال می‌رسد. این همان «راه قرآن» برای ساختن انسان‌هایی است که هم خود را می‌سازند و هم دنیا را تغییر می‌دهند.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق؛
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق؛
۳. بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهية، تحقیق: مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ق؛
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛
۵. جوادی، محسن و زینب عباسی، «همدلی به مثابه «دلیلی برای دگرخواهی» و نسبت آن با اخلاق، از دیدگاه دنیل بتسون»، اخلاق پژوهی، سال ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶ش.
۶. جواهری، حسن، بحوث فی الفقه المعاصر، بیروت: دار الذخائر، چ اول [بی تا]؛
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق؛
۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق؛
۹. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، طلیعة النور، ۱۴۲۷ق.
۱۰. ریچلز، جیمز، «خودگروی روان شناختی و اخلاقی»، ترجمه ایرج احمدی، فصلنامه رهنمون، شماره ۸ و ۷، ۱۳۸۳ش؛
۱۱. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛
۱۲. سیدی، سید حسین و علی رفیعی، «معناشناسی ایثار در قرآن کریم»، مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۳ش.
۱۳. شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق؛
۱۴. صادقی، هادی و محمد امین خوانساری، «دگرگروی اخلاقی: منظری قرآنی»، فصلنامه علمی پژوهشنامه اخلاق، دوره ۹، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۷-۳۶.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية [بی تا]؛
۱۶. طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق؛
۱۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: أحمد حبيب قصیر العاملي، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق؛
۱۹. عبادیان، محمود، «آزادی، خودآگاهی و هویت؛ نظریه آزادی و هویت در اخلاق (پرسش انگیز) کانت»، دو فصلنامه حقوق بشر، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش؛
۲۰. عروتی موفق، اکبر، «بررسی جایگاه ایثار در نظریه خودگرایی روان شناختی و ارزیابی آن با آموزه های اخلاقی قرآن»، پژوهش نامه اخلاق، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۰ش، صص ۲۸-۴۳.
۲۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ سوم، [بی جا]؛
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و إبراهیم السامرائی، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛



۲۴. قطبی، ثریا و فریده داودی مقدم و بیتا عزیزی، «تحلیل عناصر معنایی واژه اخلاقی ایثار در قرآن کریم»، پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، شماره چهار، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۵. کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المجلة، نجف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۹ ق؛
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، طهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ ش؛
۲۷. مردانی ولندانی، مریم، «رابطه نوع دوستی با دینداری و جهت‌گیری مذهبی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، خرداد ۱۳۹۴، صص ۱۶۵-۱۸۳.
۲۸. مصطفوی، سید محمدکاظم، فقه المعاملات: بحوث استدلالیة حول المعاملات المالیه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۳ ق؛
۲۹. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، ۱۳۷۹ ش؛
۳۰. -----، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۲ ش؛
۳۱. مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم: مؤسسه دار الکتب الإسلامی، چ دوم، ۱۴۰۳ ق؛
۳۲. مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۱ م؛
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش؛
۳۴. منصوری، ستاره، دانشجویان و دگرخواهی: مطالعه کیفی دگرخواهی در بین دانشجویان دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۶ ش؛
۳۵. یونسی، حمیدرضا و زهرا فیضی و لایلا خسروی مراد، «مفهوم قرآنی ایثار و کارکرد آن در نظم اجتماعی سنتی و مدرن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش؛
36. Bar-Tal, D., "Altruistic Motivation to Help: Definition, Utility and Operational-ization". Humboldt journal of social relations, 1986, 13.
37. Baumeister, R. F. and Vohs, K. D., "Encyclopedia of social psychology" V 1. SAGE Publications, California, 2007.
38. Bell, K, ed, "Open Education Sociology Dictionary: Altruism." Accessed June 14, 2021. <https://sociologydictionary.org/altruism/>.
39. Borgatta, E F & Montgomery, R J.V., "Encyclopedia of Sociology" V 1. Macmillan Reference USA, New York, 2000.
40. Chilton, B., Altruism in World Religions, United States: Georgetown University Press, 2005.
41. Crysel L, Zeigler-Hill V & Shackelford T.K., "Encyclopedia of Personality and Individual Differences: Altruism", Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1775
42. Hastings, J., "Encyclopedia of religion and ethics" V 1. Charles Scribner's Sons, New York, 1908.
43. Irani, A S., "Positive Altruism: Helping that Benefits Both the Recipient and Giver." Master of Applied Positive Psychology (MAPP) Capstone Projects, 2018.
44. Monroe, K., "The Heart of Altruism: Perceptions of a Common Humanity". PRINCETON, NEW JERSEY: Princeton University Press, 1996.
45. Pošt, S G., "Unlimited love: altruism, compassion, and service." Pennsylvania, Templeton Foundation Press, 2003.
46. Ritzer, G., "The Blackwell Encyclopedia of Sociology." Blackwell Publishing, 2007.
47. Zarghi, Masoumeh and Mustafa Bolghan-Abadi, "The Altruism Trait: The Role of Religiousness", Journal of Religion and Health, 2021 Apr, 60(2).

Resources:

1. 'Abādiyān, Maḥmūd. "Āzādī, khud-āgāhī wa huwiyyat; nazariyyah-yi āzādī wa huwiyyat dar akhlāq (pursish-āngīz) Kānt." *Du Faslnāmah-yi Ḥuqūq-i Bashār* 3, no. 2 (serial no. 6) (Fall and Winter 1387 SH).
2. Bar-Tal, D., "Altruistic Motivation to Help: Definition, Utility and Operationalization". *Humboldt journal of social relations*, 1986, 13.
3. Baumeister, R. F. and Vohs, K. D., "Encyclopedia of social psychology" V 1. SAGE Publications, California, 2007.
4. Bell, K, ed, "Open Education Sociology Dictionary: Altruism." Accessed June 14, 2021. <https://sociologydictionary.org/altruism/>.
5. Borgatta, E F & Montgomery, R J.V., "Encyclopedia of Sociology" V 1. Macmillan Reference USA, New York, 2000.
6. Bujnurdī, Sayyid Muḥammad Ḥasan. *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*. Edited by Mahdī Mahrizi and Muḥammad Ḥusayn Dirāyatī. Qom: Nashr al-Hādī, 1419 AH.
7. Bukhārī, Muḥammad ibn Ismā'īl. *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Beirut: Dār al-Fikr, 1401 AH.
8. Chilton, B., *Altruism in World Religions*, United States: Georgetown University Press, 2005.
9. Crysel L, Zeigler-Hill V & Shackelford T.K., "Encyclopedia of Personality and Individual Differences: Altruism", Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1775
10. Fakhr al-Rāzī. *Al-Tafsīr al-Kabīr (Mafātīḥ al-Ghayb)*. 3rd ed., n.p., n.d.
11. Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-'Ayn*. Edited by Mahdī al-Makhzūmī and Ibrāhīm al-Sāmarrā'ī. Mu'assasat Dār al-Hijrah, 1409 AH.
12. Hastings, J., "Encyclopedia of religion and ethics" V 1. Charles Scribner's Sons, New York, 1908.
13. Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. *Hidāyat al-Ummah ilā Aḥkām al-A'immaḥ (a.s.)*. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhishhā-yi Islāmī-yi Āstān-i Quds-i Raḍawī, 1412 AH.
14. Ibn Fāris, Aḥmad. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. Edited by 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn. Qom: Maktab al-A'lām al-Islāmī, 1404 AH.
15. Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-'Arab*. Qom: Nashr Adab al-Ḥawzah, 1405 AH.
16. Irānī, A S., "Positive Altruism: Helping that Benefits Both the Recipient and Giver." *Master of Applied Positive Psychology (MAPP) Capstone Projects*, 2018.
17. Jawādī, Muḥsin, and Zaynab 'Abbāsī. "Hamdali bih mithl-i «dalīlī barā-yi digar-khwāhī» wa nisbat-i ān bā akhlāq, az dīdgāh-i Dāniyāl Batsun." *Akhlāq Pazhūhī* 1, no. 3 (Fall 1396 SH).
18. Jawāhirī, Ḥasan. *Buḥūth fī al-Fiqh al-Mu'āṣir*. Beirut: Dār al-Dhakhā'ir, 1st ed., n.d.
19. Jawharī, Ismā'īl ibn Ḥammād. *Al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lughah wa Ṣiḥāḥ al-'Arabiyyah*. Edited by Aḥmad 'Abd al-Ghafūr 'Aṭṭār. Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn, 1376 AH.
20. Kāshif al-Ghiṭā', Muḥammad Ḥusayn. *Tahrīr al-Majallah*. Najaf: al-Maktabah al-Murtaḍawīyyah, 1359 AH.
21. Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *Al-Kāfi*. Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1363 SH.
22. Maghniyyah, Muḥammad Jawād. *Al-Tafsīr al-Kāshif*. Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn, 1981 CE.
23. ———. *Al-Tafsīr al-Mubīn*. Qom: Mu'assasat Dār al-Kitāb al-Islāmī, 2nd ed., 1403 AH.
24. Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Tafsīr-i Nimūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1374 SH.

25. Maṣṣūrī, Sitārah. Dānishjūyān wa Digar-khwāhī: Muṭālī'ah-yi kayfī-yi digar-khwāhī dar bayn-i dānishjūyān-i Dānishgāh-i Gīlān. Master's Thesis, University of Guilan, 1396 SH.
26. Mardānī Wilandānī, Maryam. "Rābiṭah-yi naw' duṣṭī bā dīndārī wa jahat-gūrī-yi mazhabī." Faslnāmah-yi 'Ilmī – Pazhūhishī Muṭālī'āt-i Akhlāq-i Kārdburdī 11, no. 39 (Khordad 1394 SH): 165-183.
27. Monroe, K., "The Heart of Altruism: Perceptions of a Common Humanity". PRINCETON, NEW JERSEY: Princeton University Press, 1996.
28. Muṣṭafawī, Sayyid Muḥammad Kāzīm. Fiqh al-Mu'āmalāt: Buḥūth Istidlāliyyah ḥawla al-Mu'āmalāt al-Māliyyah. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī, 1423 AH.
29. Muṭahharī, Murtaḍā. Aṣṣnā'ī bā Qur'ān. Tehran: Ṣadrā, 1379 SH.
30. ———. Ta'lim wa Tarbiyyat dar Islām. Tehran: Ṣadrā, 1382 SH.
31. Pošt, S G., "Unlimited love: altruism, compassion, and service." Pennsylvania, Templeton Foundation Press, 2003.
32. Qaṭṭubī, Thurayyā, Farīdah Dāwudī Muqaddam, and Bītā 'Azīzī. "Taḥlīl 'anāshir-i ma'nā-yī wazah-yi akhlāqī-yi ithār dar Qur'ān-i Karīm." Pazhūhishhā-yi Akhlāqī 6, no. 4 (Summer 1395 SH).
33. Qurṭubī, Muḥammad ibn Aḥmad. Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1405 AH.
34. Rachels, James. "Khud-garwī ravān-shināsī wa akhlāqī." Translated by Iraj Aḥmadī. Faslnāmah-yi Rahnamūn, no. 7-8 (1383 SH).
35. Rāghib al-Iṣfahānī. Mufradāt Alfāz al-Qur'ān. Edited by Ṣafwān 'Adnān Dāwūdī. Ṭaḥī'at al-Nūr, 1427 AH.
36. Ritzer, G., "The Blackwell Encyclopedia of Sociology." Blackwell Publishing, 2007.
37. Ṣādiqī, Hādī, and Muḥammad Amīn Khwānsārī. "Digar-garwī-yi akhlāqī: manzarī Qur'ānī." Faslnāmah-yi 'Ilmī Pazhūhishnāmah-yi Akhlāq 9, no. 32 (Summer 1395 SH): 7-36.
38. Sayyidī, Sayyid Ḥusayn, and 'Alī Rafī'ī. "Ma'nā-shināsī-yi ithār dar Qur'ān-i Karīm." Majallah-yi 'Ilmī – Pazhūhishī-yi Anjuman-i Īrānī-yi Zabān wa Adabīyyāt-i 'Arabī, no. 32 (Fall 1393 SH).
39. Shahīd al-Awwal, Muḥammad ibn Makkī. Al-Durūs al-Shar'īyyah fī Fiqh al-Imāmiyyah. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī, 1417 AH.
40. Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. Jāmi' al-Bayān 'an Tāwīl Āy al-Qur'ān. Edited by Ṣidqī Jamīl al-'Aṭṭār. Beirut: Dār al-Fikr, 1415 AH.
41. Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-'Ilmiyyah, n.d.
42. Ṭabrisī, al-Faḍl ibn al-Ḥasan. Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt, 1415 AH.
43. Ṭūsī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān. Edited by Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī. Qom: Maktab al-'Alam al-Islāmī, 1409 AH.
44. 'Urwat-i Muwaffaq, Akbar. "Barrisi-yi jāyghāh-i ithār dar nazariyyah-yi khud-garwī-yi ravān-shināsī wa arziyābī-yi ān bā āmūzhah-hā-yi akhlāqī-yi Qur'ān." Pazhūhishnāmah-yi Akhlāq, no. 52 (Summer 1400 SH): 28-43.
45. Yūnisī, Ḥamid Ridā, Zahrā Fayḍī, and Lailā Khusravī Murād. "Mafhūm-i Qur'ānī-yi ithār wa kār-kard-i ān dar nazm-i ijtimā'ī-yi sunnatī wa mudirīn." Pazhūhishnāmah-yi Qur'ān wa Ḥadīth, no. 31 (Fall and Winter 1401 SH).
46. Zabīdī, Sayyid Muḥammad Murtaḍā. Tāj al-'Arūs min Jawāhir al-Qāmūs. Edited by 'Alī Shīrī. Beirut: Dār al-Fikr, 1414 AH.
47. Zarghi, Masoumeh and Muṣṭafā Bolghan-Abadi, "The Altruism Trait: The Role of Religiousness", Journal of Religion and Health, 2021 Apr, 60(2).